ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال نهم ❁ شمارۀ ۲۱۷۰ ❁ یک‌شنبه ۳ جدی/دی ۱۳۹۶ ❁ ۶ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ ❁ ۲۴ دسمبر ۲۰۱۷

نلسون ماندلا

سه چیز در زنده‌گی است که دیگر نمی‌توانید به دست بیاورید: کلمات بعد از گفته شدن، لحظه‌ها بعد از از دست دادن و زمان بعد از سپری شدن.

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانۀ شان را از طریق عزیزی‌بانک دریافت کرده‌اند، از ما خوشنود استند؛ چون عـــــزیزی‌بانک به «سرعت و دقت» تأکیـــــد دارد. شما هم می‌توانید در عزیزی‌بانک برای کارمندان‌تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگانِ ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.

عزیزی بانک
Azizi Bank
عزیزی بانک، بانک موردِ اعتماد همه

www.azizibank.af 1515

عطا محمد نور دهن باز کرد:

عبـــدالله مـــار آستیـــن است

صفحه ٦

صفحه ۳

فیصلۀ کمیسیون مختلط در مورد قانون ثبت و احوال نفوس اعتبار ندارد

صفحه ۲

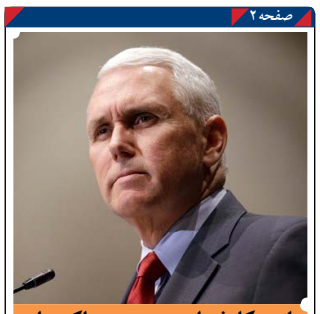

امریکا شعار می دهد، پاکستان عمل می کند!

صفحه ۳

امریکا دربارۀ بیت‌المقدس تجدید نظر کند

وزارت خارجۀ پاکستان:
مقام‌های امریکا در کابل و اسلام‌آباد حرف‌های متفاوت می‌زنند

وزارت خارجه پاکستان در واکنش به اظهارات مایک پنس گفته مقام‌های امریکایی هنگام دیدار با مقام‌های پاکستانی موضعی متفاوت دارند و در افغانستان سخنان دیگری می‌گویند.

مایک پنس، معاون رییس جمهوری امریکا در سفر به افغانستان گفته بود که «دوران پناه دادن به گروه‌های تروریستی در پاکستان به سرآمده است.»

وزارت خارجه پاکستان گفته اظهارات آقای پنس با موضع نمایندگان امریکا در ملاقات‌های مفصل با مقام‌های پاکستانی، تفاوت دارد.

در بیانیه‌ای وزارت خارجه ضمن تاکید بر اینکه متحدین هرگز به یکدیگر هشدار نمی‌دهند، آمده است: آمریکا باید عواملی را تنبیه کند که در افغانستان، به طور تصاعدی، مسوول افزایش تولید مواد مخدر، فساد گسترده و فراهم کردن زمینه برای نفوذ داعش هستند.

وزارت خارجه پاکستان گفته برای ایجاد صلح باید به مکانیسم مذاکرات توجه ویژه شود.

پاکستان تاکید کرده که با اتهام زدن به سایر کشورها و دیگران را مسئول شکست دانستن، صورت مساله حل نخواهد شد.

معاون رییس‌جمهوری آمریکا، شامگاه روز پنجشنبه (۳۰ قوس/آذر) وارد کابل شد و با اشرف غنی، رییس‌جمهوری و عبدالله عبدالله، ریس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان و همچنین سربازان آمریکایی در این کشور دیدار کرد.

آقای پنس در جمع سربازان آمریکایی در پایگاه هوایی بگرام، در شمال کابل تاکید کرد که آمریکا تا «پیروزی نهایی» به نبرد با تروریست‌ها در افغانستان ادامه می‌دهد.

او با تاکید این که همکاری پاکستان با آمریکا به نفع پاکستان است، افزود: «پاکستان برای سال‌ها به طالبان و گروه‌های تروریستی دیگر پناه داده. اما آن دوران دیگر به سر آمده است.»

معاون دونالد ترامپ هشدار چند ماه پیش رییس جمهوری امریکا به پاکستان را تکرار کرد و گفت: «من یک بار دیگر این مسئله را تکرار می‌کنم که پاکستان در مشارکت با آمریکا خیلی چیزها به دست می‌آورد. برعکس، این کشور با پناه دادن به جنایتکاران و تروریست‌ها، خیلی چیزها را از دست خواهد داد.»

پس از اعلام استراتژی جدید امریکا برای افغانستان و جنوب آسیا، این کشور شمار نیروهایش را در افغانستان افزایش داده و هدف از آن را سرعت بخشیدن به روند مبارزه با طالبان و گروه دولت اسلامی (داعش) عنوان کرده است.

آقای ترامپ همچنین به فرماندهان نظامی در صحنه عملیات جنگی در افغانستان اختیارات بیشتری برای انجام حملات هوایی داده است.

برمک:
جلو خلاف‌ورزی‌ها را می‌گیریم

مقام‌ها در وزارت امور داخله، از مداخله‌ها در امور این وزارت سخن می‌زنند؛ اما می‌گویند که جلو چنین غیرقانونی‌ها را می‌گیرند.

وزیر داخله در نشست تسلیم‌دهی «نصاب ارتقای رتب» برای قوماندانی تحصیلات عالی و رهبری پولیس، گفت که این نصاب، قبلاً شامل شانزده مضمون بود؛ اما تعداد مضامین آن بعد از بازنگری به ۱۲ مضمون تقلیل یافته است.

ویس احمد برمک که حدود دو هفته پیش، به حیث وزیر امور داخله رای اعتماد مجلس را گرفته است، در سخنرانی خود از مداخله در امور پولیس یاد کرد.

وی افزود در محلی که زندگی می‌کند، یک کلپ به نام (کابل کلپ) است و مردم از آن شکایت داشته به او گفته‌اند که در این کلپ، هرشب شراب خورده می‌شود و صدای فیر از آن شنیده می‌شود.

او گفت که پولیس حوزه دهم، چند شب قبل پس از آن‌که از این کلپ صدای فیر شنیده شد، دوازده تن را در این کلپ بازداشت کرده؛ اما فردای آن شب ثارنوالان، پولیس یادشده را مورد بازپرس قرار دادند و می‌گفتند که این افراد، چرا بازداشت شده‌اند.

وی در مورد چگونگی بازداشت ۱۲ تن جزئیات نداد؛ اما با انتقاد از این اقدام دادستانی افزود: «شما در هرگوشه دنیا بروید؛ هرنوع عمل جرمی و یا برخورد مشکوک که به حیث یک جرم قلمداد شود و نظم عامه را مختل کند، باید پولیس مداخله کند.»

وزیر داخله گفت ویدیویی را دیده است که چند روز پیش، در یکی از حوزه‌های پولیس کابل، یک تن از وکلا و یک زورمند، با آمر حوزه از زور صحبت می‌نمودند و آمر حوزه را توهین و تحقیر می‌کردند.

به گفته او، این دو تن سرانجام آمر حوزه را اختطار می‌دادند و بالاخره آمر یادشده با آنان «جورآمد» کرد.

وزیر داخله در مورد این جورآمد نیز جزییات نداده افزود: «حاکمیت قانون در کشور ما هنوز هم به شکل شاید و باید و مطابق با قانون اساسی رعایت نمی شود، در یک جای مشکل پیدا میشه، ما خود ما قانون را نقض می کنیم، یا در حق خود و یا در حق هموطنان ما، رعایت یک سان قانون وجود ندارد.»

به گفته برمک، یکی از کارهای اساسی وزارت داخله، این خواهد بود که تمام پولیس خدمتگار مردم باشند، با مردم مسلکی عمل کنند و از صلاحیت‌های قانونی شان با مجرمین استفاده کنند.

محمد اسماعیل سهاک معاون قوماندانی تحصیلات عالی رهبری پولیس، که در نشست دیروز صحبت می کرد، نیز از مداخله در جلب و جذب استادان و محصلین در این نهاد شکایت نموده، از رهبری وزارت خواست که جلو این چنین مداخله ها را بگیرد.

همچنان وی از وزیر امور داخله خواست که در جهت ایجاد لابراتوارها، میدان‌های انداخت و مراکز تحقیقاتی در قوماندانی تحصیلات عالی و رهبری پولیس، توجه داشته باشند.

وزیر امور داخله گفت که برای رفع نیازمندی ها اقدام می کند و جلو هر نوع مداخله در امور این وزارت را می گیرد.

سخن ماندگار

نسخۀ شیطانی ابزار قرار دادن قوم

وقتی به بسیاری از اداره‌های دولتی سر می‌زنیم، ناگهان به این مورد مهم پی می‌بریم که این اداره و برخی از اداره‌های دیگر، متعلق به یک گروه و قوم شده است و چهرۀ دیگران در این ادارات به درستی معلوم نمی‌شود. این نوع برخورد با توجه به یک سیاست حذف‌گرایانۀ قومی که فقط ذهن یک دیکتاتور مستبد آن را برمی‌تابد، هرگز منطقی در کشوری ندارد که هنوز اکثریت و اقلیت آن مشخص نیست و همه مردمان آن سرزمین به اساس حکم قانون اساسی و منطق اسلامی از یک ارزش و سطح برخور دارند؛ اما تبعیض در گزینش افراد در ادارت دولتی کار را به جایی کشانده است که سایر مردم افغانستان به عنوان بیگانه‌ها عرض اندام کنند. اگرچه گفتن و نوشتن چنین حرفی سخت است؛ اما متأسفانه این واقعیت تلخ ادارات افغانستان است. این را وقتی در کنار جلسه‌های ارگ و کابینه بگذاری نیز می‌بینی که دیگران به اساس یک سیاست دیکتاتوری تاحدی کناز زده شده‌اند. برایند چنین سیاستی، این نیست که بگوییم یک قوم بر دیگران چیره شده است؛ بل حقیقت این است که این سیاست‌مداران می‌خواهند که از یک قوم به اهداف تفرقه‌بینانداز و حکومت کن خودشان استفاده کنند؛ زیرا این‌ها به با علم قرار دادن یک قوم، به شدت اقوام دیگر را در برابر آن قرار میدهند و خود در سایۀ این اختلاف پادشاهی و سودجویی می‌کنند و پروژه‌های مورد نظرشان را به پیش می‌برند. اینجاست که مفهوم افغانستان خانۀ مشترک همه است، دچار دیگرگونی می‌شود و این وضعیت دیگران را تحریک می‌کند که در برابر یک چنین سلطۀ نقاق‌افگن و استخباراتی عرض اندام کنند و همین نقطۀ انفجار اجتماعی است که سیاست‌گران بداندیش و فرصت‌طلب در آنتظار آن اند.

سیاست‌های ابزار قرار دادن قومی ارگ، تنها به انتقاد یک طرف مواجه نیست. انتقاد از سیاست‌های تبعیض‌آمیز ارگ و اختلاف‌اندازی آن در میان مردم، در قندهار، ننگرهار و میان سیاست‌مداران پشتون هم بالا شده است. باور داریم که پشتون‌های افغانستان نمی‌خواهند که کسی بیاید و به نام و رسم آن‌ها اقوام را در برابر همدیگر تحریک کند و قتی که مشکلی در افغانستان از این منظر اتفاق افتاد، محرکان در نهایت راه‌سپار وطن اصلی شان شوند و مردم افغانستان به نام این و آن درد آن جفاها و نفاق‌افگنی‌ها را بکشند و در آتش نزاع بسوزند. سندهای زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد تفرقه‌افگنی و برتری دادن یک گروه بر گروه دیگر، ریشه در سیاست‌های نارس برخی از حلقه‌هایی در ارگ دارد که مسلماً مورد حمایت آقای غنی هم قرار دارند. وقتی سندی از ارگ ریاست‌جمهوری به رسانه‌ها درز می‌کند، نشان می‌دهد ادارۀ امور ریاست‌جمهوری در پی جابجایی فقط یک قوم در این نهاد است و از برخی پشتون‌های هرات که پشتو نمی‌فهمند به عنوان نماینده‌های دیگر اقوام به شکل ظاهری استفاده می‌کند. با اینحال دیگر چه اعتمادی می‌توان از آن اداره داشت. همین گونه رویداهای دیگری هم هستند که شاید ذکرشان بحث را به درازا بکشاند؛ چنانکه وقتی حکمتیار با مصارف و هزینۀ کلانی از حکومت می‌گیرد تا ولایت به ولایت سفر کند و فقط حرف‌های تفرقه‌افگنانه بزند، دیگر چه سندی باید دال بر این سیاست ارایه کرد.

متأسفانه حقیقت این است آنانی که در سفرۀ قدرت از نان و آب امریکا تغذیه می‌شوند، قدرت دارند و به زور آن حمایت‌های پولی و سیاسی ادامۀ حیات سیاسی می‌دهند، بقای خودشان را در جنگ قومی در افغانستان جست‌وجو می‌کنند. این‌ها به شدت در پی قومی کردن همه مسایل اند. به نظر می‌رسد که اصل سیاست در دستگاه ارگ و اطرافیان حریص قدرت و ثروت همان قومی کردن همه مسایل است که اگر روزی آتش آن شعله‌ور گردد به یقین که افغانستان را می‌سوزاند؛ اما این سیاست‌مداران تفرقه‌افگن پا به فرار گذاشته به دامن خارجی‌ها پناه می‌گیرند. بنابرین، این راه رفته، فقط به جهنم ختم می‌شود؛ زیرا ابزار قرار دادن قوم و اختلاف‌اندازی از این طریق در میان آنان، یک نسخۀ شیطانی به هدف دست یافتن به منافع سیاه و غیر مشروع است که باید مردم با هشیاری در برابر آن عمل کنند.

امریکا شعار می دهد، پاکستان عمل می کند!

احمدعمران

حداقل اگر دیگران نمی‌دانند، ولی به دلیل همکاری‌های دوام‌دار و چندین ساله امریکا به خوبی از این نیات پاکستان آگاه است و می‌داند که این کشور چرا از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند. سیاست فعلی امریکا در قبال پاکستان سیاست ناکارآمد و آزموده شده است. این سیاست از سال‌ها به این سو ناکارآمدی خود را نشان داده و بدون آن که کمترین سودی به حال افغانستان در گیرجنگ و نابسامانی داشته باشد، به ادامۀ جنگ کمک کرده است. اتفاقاً پاکستان هیچ هراسی از هشدارهای امریکا احساس نمی‌کند

به عنوان معاون رییس جمهوری امریکا وارد افغانستان می‌شد، ولی پیش از آن مقام‌های ارشد کاخ سفید از وزیردفاع گرفته تا وزیر خارجه بارها به این کشور سفر کردند و چنین پیامی را به گونه‌های متفاوت در سخنان شان بازتاب داده اند. به نظر می‌رسد که رویکرد دونالد ترامپ رییس جمهوری امریکا با مساله افغانستان شدید تر از رویکرد بارک اوباما رییس‌جمهوری پیشین این کشور است و می‌خواهد نشان دهد که وقتی به سخنان مایک پنس، معاون رییس‌جمهوری امریکا، توجه شود به گونۀ واضح فهمیده می‌شود که ادارۀ جدید کاخ سفید جدی‌تر از گذشته به مساله افغانستان می‌پردازد. آقای پنس که روز پنجشنبۀ گذشته در یک سفر از پیش اعلام ناشده وارد کابل شد، ضمن دیدار با رهبران دولت وحدت ملی برای نظامیان این کشور در پایگاه بگرام نیز سخنرانی کرد. چند نکته در سخنان آقای پنس کاملا برجسته به نظر می رسید: ۱) حمایت از افغانستان و مبارزه با گروه‌های دهشت افکن تا نابودی آن ها و ۲) هشدار به پاکستان برای دست برداشتن از حمایت گروه‌های تروریستی در خاک آن کشور.

آقای پنس به صورت واضح اعلام کرد که ماموریت نظامیان امریکایی در افغانستان، تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که دیگر تهدیدی علیه امنیت این کشور که بدون شک می‌تواند خطری برای کشورهای غربی باشد، وجود نداشته باشد و ضمنا او به پاکستان هشدار داد که دست از حمایت گروه‌های تروریستی بردارد؛ زیرا چنین چیزی می‌تواند تبعات خطرناک برای این کشور به بار آورد. این بار نخست نیست که امریکا چنین قاطعانه از ماموریت این کشور در افغانستان دفاع می‌کند و به پاکستان هشدار می‌دهد. هرچند که آقای پنس برای نخستین‌بار امریکا به تعهدات خود در سطح جهانی پای‌بند باقی می‌ماند. تا اینجای کار همه چیز خوب و رضایت‌بخش به نظر می‌رسد و نمی‌توان برآن ایرادی وارد کرد. اما مشکل زمانی رخ می‌نماید که همۀ این هشدارها و تعهدات فقط در محدودۀ کاغذ، رسانه و سخنرانی باقی مانده و گامی فراتر از آن برداشته نشده است.

ادارۀ آقای ترامپ به شدت از عملکرد پاکستان انتقاد می‌کند و در کنار آن به پشتبانی خود از افغانستان تاکید می‌ورزد؛ ولی نتیجه این هشدارها و پشتیبانی‌ها نه کاهش جنگ و درگیری بوده و نه عدم مداخله پاکستان در امور داخلی افغانستان. پاکستان در ماه‌های اخیر به صورت ممتد ولایت‌های جنوبی و شرقی افغانستان را مورد هجوم نظامی قرار داد و بارها به این ولایت‌ها حمله های راکتی کرد. پاکستان عملا به جای مبارزه جدی با گروه‌های دهشت‌افکن از سیاست‌های امریکا در منطقه انتقاد می‌کند و حضور گروه های تروریستی در این کشور را رد می‌کند. پاکستان در پانزده سال گذشته عملا از طالبان و گروه‌هایی که در جنگ مستقیم با دولت افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در این کشور قرار داشته اند، حمایت کرده و این حمایت هیچ وقت هم به صورت پنهانی صورت نگرفته است. امریکا به عنوان کشوری که از امکانات استخباراتی و اطلاعاتی بسیار قدرتمندی برخوردار است، بهتر از هرکشوردیگری می‌داند که پاکستان تنها گروه‌های شورشی را در خاک خود پناه نداده است؛ بل این کشور از گروه‌های تروریستی در جنگ نیابتی با افغانستان استفاده می‌کند. پاکستان جنگی را در برابر مردم افغانستان رهبری می‌کند که از چند دهه آغاز کرده و تا به امروز هم‌چنان ادامه داشته است. گاهی اگر پاکستان از در دوستی با افغانستان پیش آمده، هرگز در دوستی خود صداقت نداشته و نه خواهان برقراری امنیت و ثبات در کشور همسایه شمالی خود بوده است. پاکستان در چهاردهه گذشته فقط منافع خود را در افغانستان جست‌وجو کرده و خواهان ایجاد حکومتی در کابل بوده که کاملاً گوش به فرمان اسلام آباد باشد. پاکستان هرگز به چیزی از این کمتر فکر نکرده و نه هم در پی به دست آوردن چیزی کمتر از آن بوده است. برای پاکستان، افغانستان به عنوان کشور مستقل بی‌معناست و هدف‌های این کشور فراتر از محدودۀ جغرافیای افغانستان تخمین زده شده است.

پاکستان به افغانستان به عنوان تختۀ خیز نگاه می‌کند که پس از تسخیرهمه جانبه آن به هدف‌های بزرگ و رویایی خود دست پیدا کند. آیا با چنین تصوراتی که اسلام آباد دارد، می‌توان انتظار داشت که این کشور با گروه‌های تروریستی موجود در آن کشور مبارزه کند؟ و یا برای آوردن صلح و امنیت با دولت افغانستان همکاری داشته باشد؟ داشتن چنین توقعی از پاکستان اگر امری محال نباشد؛ ولی بسیار دور از تصور است. پاکستان تا زمانی از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و از آن‌ها در جنگ افغانستان سود می برد که واقعا احساس کند که به مشکل مواجه خواهد شد. تا آن زمان پاکستان از همین سیاست دروغ و تزویر استفاده خواهد کرد و هیچ تغییری در مواضع آن به وجود نخواهد آمد.

حداقل اگر دیگران نمی‌دانند، ولی به دلیل همکاری‌های دوام‌دار و چندین ساله امریکا به خوبی از این نیات پاکستان آگاه است و می‌داند که این کشور چرا از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند. سیاست فعلی امریکا در قبال پاکستان سیاست ناکارآمد و آزموده شده است. این سیاست از سال‌ها به این سو ناکارآمدی خود را نشان داده و بدون آن که کمترین سودی به حال افغانستان در گیرجنگ و نابسامانی داشته باشد، به ادامۀ جنگ کمک کرده است. اتفاقاً پاکستان هیچ هراسی از هشدارهای امریکا احساس نمی‌کند و نه به این باور رسیده که این کشور بتواند دست به اقدام‌های جدی‌تر از هشدار دادن علیه آن بزند. در چنین وضعیتی آنچه که به عنوان واقعیت تلخ باقی می‌ماند، جنگی است که در افغانستان از سوی این کشور مدیریت و رهبری می‌شود.

برخی از نماینده‌گان مجلس:
فیصله کمیسیون مختلط در مورد قانون ثبت و احوال نفوس اعتبار ندارد

ناجیه نوری

از هشت نفری که از سوی مجلس نماینده‌گان برای کمیسیون مختلط در باره تذکره های برقی، معرفی شده بودند، دونفر عمداً به سفر رفتند و دونفر هم عمداً در جلسه این کمیسیون حاضر نشدند.

یک عضو مجلس با اظهار این مطلب می‌گوید: چون چهار نفر معرفی شده از سوی مجلس به کمیسیون مختلط در مورد تذکره‌های برقی، غیرحاضر بودند؛ بنابراین فیصله کمیسیون در مورد تصویب قانون ثبت و احوال نفوس خلاف قانون است.

غلام‌فاروق مجروح عضو مجلس نماینده‌گان حاضر نشدن چهار نفر در کمیسیون مختلف را یک اقدام مهندسی شده خوانده تاکید کرد: باید این کمیسیون تا زمان تکمیل نصاب کارش را آغاز نمی‌کرد؛ اما چون از قبل و طی یک برنامه‌ی سازش شده، چهار نفر به کمیسیون حاضر نشدند بودند، کار این کمیسیون به نفع فیصله مجلس سنا به پایان رساند.

او به روزنامه ماندگار گفت: اما چون نصاب کمیسیون مختلط درمورد تذکره‌های برقی تکمیل نبوده؛ بنابراین فیصله این کمیسیون خلاف قانون است و مری‌الاجرا نمی‌باشد.

این عضو مجلس گفت که مجلس روز گذشته ۲ جدی/ دی، در این خصوص بحث‌های داشت و به زودی تصمیم خواهد گرفت و با استناد از قانون تصمیم خود را اعلام خواهد کرد.

به گفته او: تازمان تصمیم مجلس نماینده‌گان دراین خصوص، تذکره نباید توزیع شود؛ زیرا فیصله کمیسیون مختلط به دلیل تکمیل نبود نصاب؛ غیر قانونی است و اعتبار حقوقی ندارد.

این درحالی‌ست که هفته گذشته نیز که تأیید شدن فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد تعدیل در برخی از ماده‌های قانون ثبت احوال نفوس از سوی کمیسیون مختلط، با واکنش شماری از نمایندگان مجلس روبه‌رو شده بود.

برخی از نمایندگان مجلس این تصمیم کمیسیون مختلط را خلاف قانون اساسی دانسته و بر تجدید نظر در مورد آن، از سوی مجلس تأکید داشتند.

فوزیه کوفی نماینده بدخشان در مجلس گفت او شواهد و اسنادی در اختیار دارد که هیأت اداری مجلس، جلسات این کمیسیون را مدیریت کرده و با فشار مستقیم هیأت اداری مجلس این تصمیم گرفته شده است و برای او قابل قبول نیست .

میرداد نجرابی رییس کمیسیون امنیت داخلی با یاد آوری تصویب مجلس که در صورت موجودیت قانون رییس‌جمهور نمی‌توانند فرمان تقنینی صادر کرند، اعتراض آن‌ها در نظر گرفته نشده و از نظر او این تصمیم کمیسیون مختلط مردود است.

جنجال بر سر این مساله زمانی آغاز شد که مجلس فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد درج نام قوم، ملت و دین را در شناسنامه های برقی رد کرد و مجلس سنا آن را تأیید نمود.

توزیع تذکره برقی از جنجالی ترین مورد در چند سال گذشته بوده است و بارها قانون ثبت احوال نفوس به خاطر جنجال های درج نام اقوام و دین و درج واژه «افغان»، میان ریاست جمهور و مجلس افغانستان رد و بدل شده بود.

بیش از شش سال است که اختلاف بر سر درج واژه افغان، توزیع این تذکره‌ها را به تعویق انداخته و حتا در چندین مورد موافقان این واژه به خیابان‌ها برآمدند و برضد مخالفین این واژه شعار سرداده و تهدید کرده اند که یا این واژه را به عنوان ملت بپذیرید و یا از افغانستان بیرون شوید، چیزی که سایر اقوام افغانستان آن را نمی‌پذیرند و آن را هویت کاذب و تحمیل شده عنوان می‌کنند.

فوزیه کوفی نماینده بدخشان در مجلس گفت او شواهد و اسنادی در اختیار دارد که هیأت اداری مجلس، جلسات این کمیسیون را مدیریت کرده و با فشار مستقیم هیأت اداری مجلس این تصمیم گرفته شده است و برای او قابل قبول نیست.
میرداد نجرابی رییس کمیسیون امنیت داخلی با یاد آوری تصویب مجلس که در صورت موجودیت قانون رییس‌جمهور نمی‌توانند فرمان تقنینی صادر کردند، اعتراض آن‌ها در نظر گرفته نشده و از نظر او این تصمیم کمیسیون مختلط مردود است

شیرخان بندر باز شد

تاجکستان که دروازۀ شیرخان بندر را از چند روز گذشته به روی افغانستان بسته بود، دوباره برای واردات و صادرات اموال تجارتی باز کرد.

نعمت‌الله تیموری، سخنگوی والی کندز گفت، از روز گذشته به این طرف، از دروازۀ مرزی شیرخان بندر میان افغانستان و تاجکستان، تنها به اموال تجارتی اجازۀ حمل و نقل داده شده است.

آقای تیموری افزود که هنوز هم این دروازه به روی افغان‌هایی که برای سیاحت می‌روند، بسته است؛ اما موترهای تاجکی، اموال تجارتی را به افغانستان وارد می‌کنند و از این طرف نیز کالاهای تجارتی را به تاجکستان می‌برد.

او گفت که اکنون تاجران افغان می‌توانند اموال شان را به کمک موترهای تاجکی به تاجکستان انتقال دهند.

به گفتۀ سخنگوی والی کندز، ممکن که مقام‌های تاجکستان دروازۀ شیرخان بندر را به مناسبت مراسم سال نو عیسوی و جشن کریسمس، بسته باشند.

او تأکید کرد که هنوز دلیل مسدودشدن این دروازه را جانب تاجکستان واضح نساخته است.

مسدودشدن بندر حیرتان، سبب شده است که باشندگان مناطق سرحدی ولایت بدخشان افغانستان با مشکلات جدی مواجه شوند. این مناطق در داخل خاک افغانستان فاقد راه‌های ترانسپورتی اند. باشندگان این مناطق، نخست به بدخشان تاجکستان و سپس از طریق شیرخان بندر به سایر مناطق افغانستان سفر می‌کنند و یا هم نیازمندی‌های غذایی و غیرغذایی شان را از این مسیر مرفوع می‌سازند.

باشندگان مناطق سرحدی بدخشان افغانستان نگران اند که اگر تاجکستان اجازۀ رفت و آمد را به آنان از طریق شیرخان بندر ندهد، ممکن که مردم در جریان زمستان با کمبود شدید مواد غذایی مواجه شوند.

مجلس افغانستان:
امریکا به فیصله ملل متحد احترام بگذارد

مجلس نماینده‌گان از قطع‌نامۀ سازمان ملل متحد علیه فرمان ترامپ در مورد به رسمیت شناختن شهر بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل، استقبال کرد.

نماینده‌گان مجلس تاکید دارند که فرمان ترمپ در مورد به رسمیت شناختن شهر بیت‌المقدس بحیث پایتخت اسرائیل، باید از سوی دولت امریکا لغو گردد.

نذیر احمد احمدزی معاون دوم مجلس نماینده‌گان، روز گذشته گفت: «ما از تصمیمی‌که در نشست اضطراری سازمان متحد علیه فرمان دونالد ترمپ گرفته است، استقبال می کنیم.»

آقای احمدزی از رییس جمهور امریکا خواست که فرمان به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسراییل را لغو کند و به فیصله کشورهای عضو سازمان ملل احترام بگذارد.

کشورهای عضو سازمان ملل متحد روز جمعه برعلیه فرمان ترامپ در مورد بیت المقدس قطعنامه صادر کرد.

این قطع‌نامه با ۱۲۷ رای مثبت، ۳۵ رای ممتنع و ۹ رای مخالف مورد تصویب کشورهای عضو سازمان ملل قرار گرفت.

در این قطع‌نامه، کشورهای عضو مکلف به خود داری از گشایش نمایندگی دیپلماتیک در بیت‌المقدس شده اند.

افغانستان نیز به این قطع‌نامه رای مثبت داده است.

در همین حال، شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان می‌گویند که دولت امریکا باید به فیصله کشورهای عضو سازمان ملل متحد احترام بگذارد.

شکیبا هاشمی یک عضو مجلس در این خصوص گفت: «از امریکا می‌خواهیم، اگر به دموکراسی باور دارد باید به فیصلۀ سازمان ملل احترام بگذارد».

خانم هاشمی گفت که آقای ترامپ نباید کشورهای عضو سازمان ملل را به قطع کمک‌های مالی امریکا تهدید کند.

فکوری بهشتی هم گفت که قطع‌نامه کشورهای عضو سازمان ملل در مخالفت با تصمیم دونالد ترمپ در مورد انتقال پایتخت اسرائیل از تلاویو به بیت‌المقدس قابل تقدیر است.

آقای بهشتی تاکید ورزید که قطع‌نامه سازمان ملل در مورد فلسطین باید عملی شود.

علی کاظمی نیز خاطر نشان کرد که فیصلۀ مجمع عمومی سازمان ملل برای کشورهای مسلمان یک دست‌آورد است.

آقای کاظمی بیان داشت که با تلاش پیگیری کشورهای اسلامی و مدنیت خواهی کشورهای غیر مسلمان جهان، حق مردم فلسطین ضایع نخواهد شد.

به گفتۀ او، دولت امریکا به عنوان کشور قدرت‌مند جهان نباید با مخالفت با این تصمیم سازمان ملل، این سازمان را بی اعتبار سازند.

نماینده‌گان مجلس تاکید دارند که قطع‌نامه دیروز سازمان ملل علیه فرمان رییس جمهور امریکا، تمامی اتهام‌های که پیش از این در مورد سازمان ملل متحد مبنی بر طرفداری از کشورهای قدرت‌مند جهان، مطرح بود را اشتباه ثابت کرده است.

این در حالی است که رییس جمهور امریکا دو هفته پیش فرمان به رسمیت شناختن بیت‌المقدس منحیث پایتخت اسراییل را اعلام کرد و دستور داد تا سفارت این کشور از تلاویو به بیت المقدس انتقال یابد.

این تصمیم آقای ترامپ با مخالفت‌های جهانی مواجه شده است. سازمان کشورهای اسلامی، اتحادیه عرب و بسیاری از کشورهای جهان، این تصمیم امریکا را محکوم کرده و خواستار لغو فرمان ترمپ شده اند.

عبدالرازق وطنپال فروتن، لیسانس حقوق وعلوم سیاسی

اول جدی
وسرنوشت مردم افغانستان

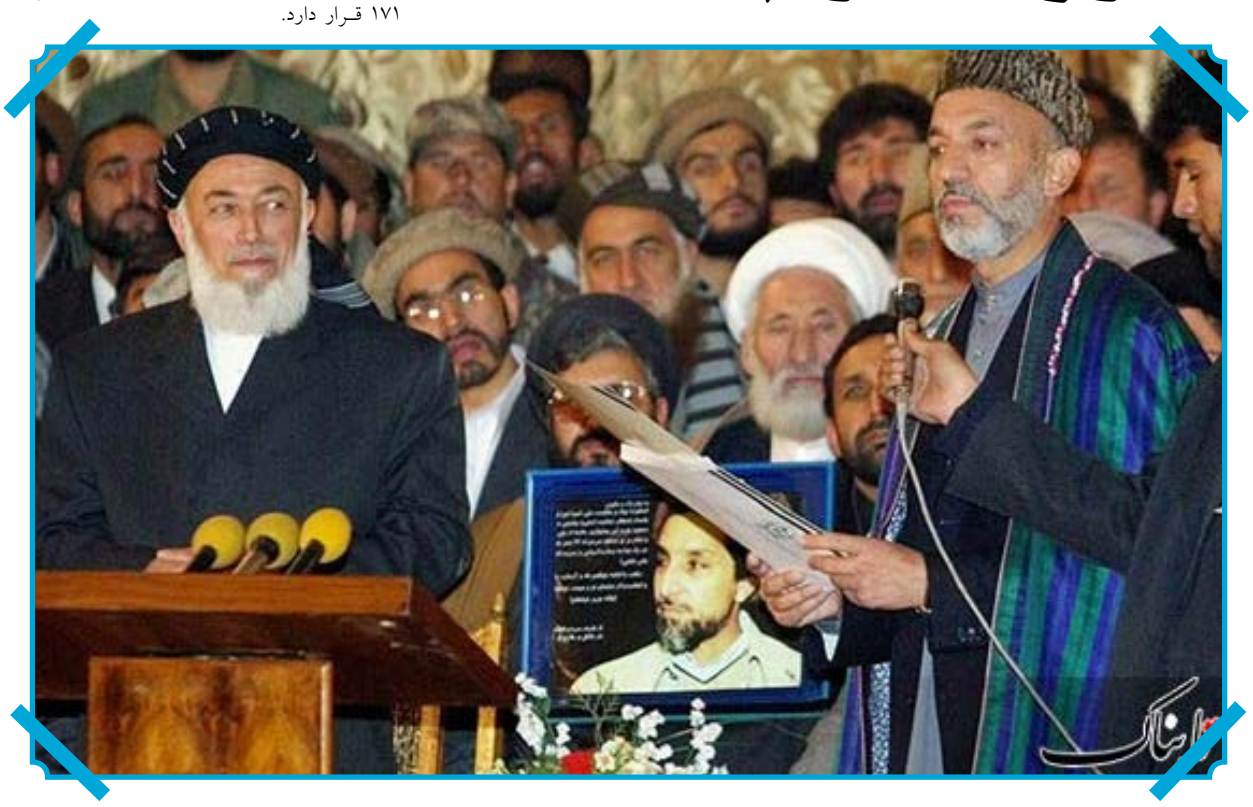

اول جدی درتاریخ معاصرافغانستان به خصوص دریک ونیم دهه اخیر، تأثیر شگرفی برسرنوشت سیاسی کشورداشته است ، که دراین میان بسیاری ازخوشبختی ها وشوربختی هارا نصیب مردم افغانستان نموده است که در اینجا به صورت اجمالی روی آن بحث صورت خواهد گرفت.

شانزده سال قبل ازامروز حملات یازده سپتمبرسال ۲۰۰۰میلادی بالای آسمان خراش های کشورایالات متحده امریکا عاملی گردید تا توجه کشورهای جهان به خصوص امریکا به افغانستان معطوف گردد.دراین میان، توافقات بن که درآن جریان سیاسی روم ،رهبران سیاسی مجاهدین ودیگراهل خبره افغانستان درآن اشتراک داشتند به این توافق رسیدند تا حامد کرزی را به عنوان رییس اداره موقت برای مدت شش ماه انتخاب نمایند. با وجودیکه در ابتدا دراین کنفرانس عبدالستارسیرت بیشترین رأی را ازآن خود کرده بود، اما بنابر تأکید وخواست امریکا حامد کرزی به عنوان رییس اداره موقت برگزیده شد، بعد از این توافقات بود که استاد برهان الدین ربانی دراول جدی سال ۱۳۸۰ قدرت سیاسی را به شکل مسالمت آمیزبرای حامد کرزی سپرد وبه این ترتیب انتقال قدرت به شکل مسالمت آمیز صورت گرفت. گرچه تعدادی ازتحلیلگران سیاسی به این باورهستند که این انتقال قدرت بنابرفشارغرب صورت گرفته است، اما درتاریخ معاصرکشوریک فرهنگ سیاسی جدید رواج یافت.

حامد کرزی درحالی قدرت را به دست گرفت که افغانستان بعد ازبیست وسه سال جنگ های که ناشی ازتجاوزات بیگانه گان بود برای نخستین بار توجه کشورهای جهان و به خصوص امریکا را باخود جلب نمود دراین میان جهان در توافقات بن پذیرفت،که افغانستان را درمدت کوتاهی با کمک های خویش به کشورتوسعه یافته و شکوفا مبدل خواهند ساخت ، که دراین میان امید های زیادی را برای ملت ومردم افغانستان خلق کردند.اما دراینجا محراق موضوع این مختصربراین می چرخد، که مردم افغانستان آن آرمان های راکه درآغازسال ۱۳۸۰خورشیدی بعد ازاول جدی همان سال به ذهن می پرورانیدند تا کجا آن آرمان های ملی شان تحقق یافت.

بدون شک وتردید مردم وملت این خطه باستانی بعد ازاول جدی سال ۱۳۸۰خورشیدی که صفحه جدیدی درسیاست ،اقتصاد وفرهنگ کشورشان گشوده شد ، امید داشتند تا افغانستان درعرصه منافع ملی ، سیاست خارجی ، دولت داری، رفاه همه‌گانی، تأمین عدالت، تعلیم وتربیه وتحصیلات عالی به گونه ای بدرخشد وبه تعالی و بالنده‌گی دست یابد که به آسانی بتواند با کشورهای همسایه ومنطقه درکمترین زمان رقابت نموده وحتا هم تراز این کشورها گردد، اما غافل از این‌که رسیدن به این چنین اهداف والا ومقدس نیازمند رهبری دلسوز، با درایت وملت منور داشت، که درآن زمان افغانستان از یک طرف درحالتی قرارگرفته بود که جنگ خانمانسوزتحمیلی بیگانه گان ملت را نهایت بیچاره ساخته بود، که نبودکمبودافراد متخصص ودلسوزمیدان را برای بیگانه‌گان هموارساخت تا به نام متخصصین وافراد فنی بسیاری ازپول های هنگفت کمک شده برای ملت ومردم افغانستان را به یغما ببرند. از سوی دیگر فقدان یک رهبر مدبر باعث گردید که افغانستان درطی سیزده سال حکومت تحت زعامت حامد کرزی نتواند به توسعه و رفاه برسد. البته : تغییراتی که بعد از تحولات سیاسی دهه هشتاد درکشورورونما گردیده است برای هیچ کسی پوشیده نیست ؛ اما با تناسب کمک های هنگفت جهانی که درتاریخ معاصر کشور این چنین کمک ها نظیر نداشته است بدون شک و تردید که پیشرفت، ترقی وتوسعه کشورما بسیار اندک بوده است. به هرحال در اینجا نگارنده لازم می‌دانم به صورت مختصر مکثی داشته باشم برترقی وتوسعه کشوردرعرصه های مختلف ازجمله:

اول- درعرصه سیاست خارجی ومنافع ملی:

ازآنجایی‌که سیاست خارجی ومنافع ملی باهم روابط تنگاتنگ وناگسستنی دارد ازهمین سبب دراینجا نگارنده لازم دانستم تا این دومورد رایکجا مورد کاوش بحث قرار بدهم.

درعرصه سیاست خارجی افغانستان ، بعد ازتوافقات بن درروابط بین‌المللی چنان تحول رونما گردید ، که می‌توان این دوره را به عنوان نقطه عطف درروابط خارجی افغانستان تلقی کرد.کشوری که ازسوی دشمنان اش به انزوای بین المللی رفته بود یک بارچنان پرچم اش درکشورهای جهان درکنفرانس های بزرگ کشورهای جهان وسازمان ملل متحد برافراشته وبه اهتزازدرآمد وسرود ملی اش به گوش ها طنین اندازشد، که دشمنان سوگند خوردۀ این ملت سلحشور انگشت به دندان گرفتند. دراین میان بزرگترین رنج نصیب کسانی شد که نابودی افغانستان وبرداشتن نقشه سیاسی کشورمارا ازنقشه سیاسی جهان به ذهن می پرورانیدند.یک باردیگرآرزوهای رفتن افق های فردای کشوردردل هرافغان وطن دوست زنده شد وآنانی‌که درخارج کشوردردیارغربت به سرمی بردند ازمسرت وخوشی بالنده‌گی کشوراشک ریختند؛ زیرا مهاجرت دربدری ورنج دوری ازوطن آنان را بیشترازپیش مصمم تربرای بازسازی کشور نموده بودند.این بالنده‌گی‌ها وموفقیت ها همه دردوران طلایی حامد کرزی یعنی دوره موقت وانتقالی نصیب افغانستان عزیزگردید؛ اما دریغا وافسوس که این چنین پیروزی ها دیردوام نیافت دقیقاً بعد ازسال های اول ودوم دوراول ریاست جمهوری حامد کرزی بود که یک باردیگرهیولای تروریزم جهانی باحمایت سردمداران غرب وهمسایه جنوبی ما سربرآورد وافغانستان راکه جدیداً می‌خواست ازحالت جنگ به سوی صلح وامن حرکت نماید دوباره مورد حملات شدید خویش قرارداد. دراین میان دستگاه دیپلماسی افغانستان وخود آقای رییس جمهور نتوانست چنان سیاست خارجی ودیپلماسی فعالی را اتخاذ نماید که بتواند غرب را وادار به فشارهای قابل ملاحظه ای دربرابر حامیان تروریست درجهان نماید. از سوی دیگر رییس جمهوری کشورما درآن زمان آقای حامد کرزی با مدارای بیش ازحد وبی مورد دربرابرهمسایه جنوبی ما زمینه را طوری مهیا ساخت که برای تروریستان وکسانی که می خواستند امنیت کشورومنافع ملی مارا تهدید نمایند مجال فعالیت بیشتررا پیدا نمایند در کنار این موارد، گاهی پاکستان را کشوربرادروگاهی به عنوان کشور حامی تروریست ودهشت افگن عنوان نمودند وبه این ترتیب درسیاست خارجی افغانستان بدون شک تزلزل ودوگانه‌گی را به وجود آورد و تا جایی هم تملق دردیپلماسی ازسوی حامد کرزی در برابر پاکستان به جایی رسید ، که با مرگ بی نظیر بوتو دختر ذوالفقارعلی بوتوی مکار، پرچم افغانستان را نیمه برافراشته ساخت. تاریخ نگاران وتحلیلگران سیاسی افغانستان می‌دانند که ذوالفقارعلی بوتوی مکار پدر بی نظیر بوتو وخود خانم بوتوچه جفاهایی را که برای کشورومردم ما روا نداشته اند. درعین حال حکومت افغانستان درروابط خود با امریکا در طی سیزده سال حاکمیت حامد کرزی چنان فراز و نشیبی ها را شاهد بوده است که توجه هر مبصر سیاسی، تحلیلگر وتاریخ نگار را به خود جلب می نماید آن هم ازاین سبب که ازآن دل باخته گی حامد کرزی وتعدادی حامیانش به حکومت جورج بوش تا نفرت پراکنی ودوری ازحکومت بعدی امریکا تحت زعامت بارک اوباما شماری تحلیلگران سیاسی دراین راستا حامد کرزی را متهم به تکلیف روانی نموده وعنوان می نمایند که حامد کرزی دراخیرحکومت خویش شاهد یک نوع درگیری لفظی با غرب به خصوص با امریکا را درپیش گرفت که خواست در دقیقه نود، خود را نزد مردم افغانستان قهرمان بتراشد .به هرتقدیر،این کارکردهای حکومت حامد کرزی دربخش دیپلماسی وسیاست خارجی دردوران اخیرحاکمیت سیاسی اش باعث گردید که افغانستان بهایی زیادی بپردازد تاغرب اززعامت جدید بعد ازسال ۲۰۱۴میلادی حمایت نماید.

دوم-درعرصه اقتصادی ورفاه همه‌گانی:

درعرصه اقتصادی ورفاه همه‌گانی آنچه را مردم افغانستان ازکمک های جهانی و کشورهای قدرتمند دنیا توقع داشتند هرگزبرآورده نشد به این معنی که براساس آمارهای که داده شده است کمک های سخاوتمندانه جهانیان با افغانستان به خصوص ایالات متحده امریکا معادل با طرح مارشال برای بازسازی اروپا بعد ازجنگ دوم جهانی بوده است،اماطرح مارشال توانست که کشورهای اروپایی را به توسعه ورفاه همه‌گانی برساند ، ولی درکشورما با وجود این چنین کمک های جهانی بنابرضعف مدیریت منابع اقتصادی وبی بند و باری‌های که ناشی ازسیاست‌های اشتباه آمیز اقتصادی حکومت حامدکرزی بود افغانستان نتوانست رشد اقتصادی قابل ملاحظه ای را در تناسب با پول های کمک های جهانی داشته باشد. چنانچه ازسال ۲۰۰۲میلادی به این طرف ۱۴۰میلیارد دالربه مقصد ایجاد وتقویت قوای امنیتی بازسازی، حکومت داری خوب،مبارزه علیه مواد مخدر، فساد اداری وظرفیت سازی درافغانستان به مصرف رسیده است.

سیستم بازارآزاد که الهام گرفته ازنظام اقتصادی غرب است ولیبرال ها ازآن سرسخت طرفداری می کنند؛ به شکل کورکورانه بدون درنظرداشت شرایط اقتصادی افغانستان پیاده گردید که دراین میان نظام بازارآزاد به شکل لجام گسیخته در ماریکت های اقتصادی افغانستان ظهورکرد که با خود احتکاروانحصار مواد اولیه توسط تعدادی افراد زورمند وبا نفوذ با را باخود داشت.این درحالیست که افغانستان درگذشته نظام اقتصادی فیودالیزم ، سوسیالیزم ونظام که کاملاً اقتصاد درکنترول وانحصاردولت بود شاهد بوده است. تعدادی ازطرفداران نظام بازارآزاد تصورمی کردند که بدون بازارآزاد نظام دموکراسی مرده است درحالی‌که به باورتعدادی ازکارشناسان اقتصادی وعلوم سیاسی این امریک اشتباه محض است.

و اما در مورد رفاه همه‌گانی باید گفت که درابتدایی سال ۱۳۸۰خورشیدی بسیاربا سروصدا های پرطمطراق درمورد زنده‌گی رفاه مند برای مردم افغانستان وعده داده شد ، اما درعمل دید شد که کمک های جهانی درانحصارزورمندان قرارگرفت ودرجهت ساختن فابریکه های تولیدی که کشورازنظراقتصادی به خود کفایی برساند کاری مثمری صورت نگرفت. نگارنده می پذیرد که سیاست های همسایه های ما دربخش اقتصاد طوری طراحی گردیده بود که هرفردی که فابریکه ای تولیدی را می خواست فعال نماید ازطرف کشورهای همسایه ما همان امتعه تولیدی به قیمت ارزان به کشورما وارد می گردید تا این‌که تاجرملی مارا ازپادرمی آورد . درآن زمان می شد دولت با سیاست های خردمندانه اقتصادی ازتجارانی حمایت مالی می نمود تا دربرابرسیاست های شوم اقتصادی کشورهای همسایه تاجرملی درقسمت ساختن فابریکات تولیدی ورشکست نمی گردید.به هرحال ،درطی سیزده سال زعامت حکومت قبلی افغانستان ازنظراقتصادی چنان بی نظمی ها وانارشیزم حاکم گردید که دربسیاری کشورهای جهان نظیرآن دیده نشده است. به جای فابریکات تولیدی کالا های اقتصادی ، هوتل های مجلل ومهمان خانه های مفشن ساخته شد وتعدادی ازکسانی که دردولت داری ازنظراقتصادی بی‌سواد بودند بالای ساختن چنین هوتل ها ومهمان خانه ها فخرفروشی می کردند.

بالای بلند رفتن تولید ناخالص ملی توجه صورت نگرفت وعایدسرانه یک افغان درنهایت امربه هشتاد دالررسید که بدون شک با درنظرداشت پول های هنگفت کمک شده جهانی وامکانات اقتصادی کاملاً کندی رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. چنانچه درفهرست مرتب سال ۲۰۱۵م برنامه انکشافی ملل متحد درشاخص توسعه ورشد انسانی ، ازجمله ۱۸۸کشوردرفهرست مرتبه دردرجه ویا مقام ۱۷۱ قرار دارد.

سوم-درعرصه فرهنگی: افغانستان بعد ازاول جدی سال ۱۳۸۰خورشیدی باوجودیکه شاهد تحولات سازنده ومثبتی بود، اما آنچه پیشرفت ورشد فرهنگی کشورایجاب می نمود هرگزافغانستان درطول سیزده سال حکومت قبلی شاهد درخشش فرهنگی نبوده است. دراینجا نگارنده لازم می‌داند تا درعرصه فرهنگی توسعه کشوررا دربخش های معارف ، تحصیلات عالی به صورت کوتاه مورد مداقه وبررسی قراربدهد.

معارف: با وجود ساختن واعمارمکاتب مجلل وتعدادی هم ستندرد درسراسرکشور وبا به وجود آوردن نصاب نسبتاً خوب که عاری ازمشکلات نیست ،درقسمت تربیه استادان مسلکی مضامین معارف کاری شایسته ودرخورتوجه صورت نگرفت. استادان لایق وشایسته ازاستادان نهایت ضعیف وبیکاره تفکیک نگردید ونسل جدید درطی یک ونیم دهه اخیر، نیمه باسواد وحتی تعداد شان بی‌سواد تربیه شدند. این جفای بزرگ به حق این مردم درحالی صورت گرفت ، که بسیاری ها به نام مشاور و کارشناس تعلیم وتربیه دروزارت معارف با معاش های گزاف حق استادان دلسوزاین کشوروفرزندان این سرزمین را به یغما بردند ودرسطح سیاست های کلان فرهنگی کشوربه گفتۀ یکی از اندیشمندان سیاسی وفرهنگی کشورآقای داکتر فرامرز تمنا، وزارت معارف کشوردرسلطه سیاستگران باقی ماند ودرطی یک ونیم دهه ما شاهد کدام وزیرمسلکی ودلسوزبرای معارف کشور نبودیم ،بل وزیرصاحبان معارف کشورپول های پروژهای بزرگ تعلیم وتربیه را با خود به یغما بردند. بلند شدن سروصدا های ایجاد مکاتب خیالی بزرگترین و مؤثق ترین مثال برای ماست. در حالی‌که ایجاب می نمود که حکومت جمع وزیرصاحبان معارف ودیگرمسؤولین بلند پایه وزارت محترم معارف با رویکرد خردمندانه وملی استادان وشاگردان را برای ایجاد تحول فرهنگی کشور تشویق می نمودند وبا فداکاری تمام درقسمت پیشرفت علمی وفرهنگی کشورمسؤولیت ایمانی ومیهنی خویش رادرقبال این ملت ادا می نمودند.

علاوه براین، بسیاری ازآفت های دیگری را در نظام تعلیمی وتربیتی کشوربه وجود آوردند ، که مجال بحث نمودن مفصل روی آن دراینجا نیست، اما این سطور بالا هیچ گاهی به این معنی نبوده است که مردم افغانستان علاقه وعشق به تعلیم وتربیه نشان ندادند، بلکه برعکس شهروندان این کشوراعم ازباسواد وبی سواد با علاقه سرشارحاضرگردیدند تا فرزندان شان نسل با سواد وازنظرفکری روشن بارآیند ،اما مدیریت این روند ازسوی حکومت و مسؤولین وزارت معارف به گونه‌ای به پیش برده شد که بزرگترین جفا را به حق مردم علم دوست این خطه باستانی روا داشتند.

تحصیلات عالی:انچه با شجاعت تمام وبا جرأت هرنویسنده بادرک درمورد تحصیلات عالی کشوروسطح پیشرفت دراین راستا می‌تواند عنوان نماید این است که نبود اندیشه دروجود استاتید دانشگاه های کشوربزرگترین چالش فرا راه جهش به سوی تعالی وتوسعه تحصیلات عالی کشور قرار گرفت. برهمه هویدا است که درزیرسایه حاکمیت سیزده ساله حامد کرزی تعداد دانشگاه‌های دولتی وخصوصی درسطح کشوربیشترگردید وکمیت دانشجویان به حدی رسید که همواره سیاست مداران ما برسرکمیت دانشجویان می بالیدند؛اما بزرگترین خلا، نبود اندیشه ملی وعلمی برای ایجاد تحول فرهنگی در کشور در سطح د انشگاه‌های کشور به حساب می رفت دراین میان تعدادی انگشت شماروانداکی ازاساتید با درک ومیهن دوست تحول فرهنگی درکشوررا بزرگترین آرمان ملی ورسالت میهنی خویش می دانستند ،اما این چنین استادان فرهیخته نتوانستند دربرابراژدهارهایی که وابسته به گروهای قومی، زبانی ، حزبی ومافیایی بودند تاب مقاومت بیاورند.

تاریخ فراموش نخواهد کرد،که تحصیلات عالی افغانستان درزمان حاکمیت سیاسی سیزده ساله حامد کرزی با امکانات نسبتاً خوب نتوانست که تحول علمی وفکری را درکشورورنما سازد ؛ زیراکه دانشگاه‌های کشورمملو ازاساتیدی گردیدند که از مجراهای قومی ،زبانی ، حزبی وگروهی به این سمت والاومقدس راه یافتند وتعدادی هم ازمجراهای قدرت زیبایی وخواست های سلیقوی استادان دانشگاه‌های کشوراستادان دانشگاه شدند.

درعین حال کرسی این وزارت همواره برای کسانی سپرده شده است که ازروی مصلحت وخواست های گروهای مافیایی تحصیلات عالی به این سمت دست یافته اند؛ چنانچه وزارت تحصیلات عالی کسانی نبوده اند که درک کامل ازوضعیت بدتحصیلی کشورداشته باشند ویا درزمینه رشد درست تحصیلات عالی کشورکدام اثرعلمی داشته باشند. همین که تعدادی افراد فاقد توانایی علمی به وزارت تحصیلات عالی راه یافتند یک ماه بعد دفعتاً به درجه های بلند علمی نایل می آیند اما ازحکومتی که تعداد جنرالان باسواد وبی سواد اش بیشترازجنرالان نظامی امریکا باشد بیشترازاین چه توقع را باید داشت، از همین رو زمانی که وزیرصاحبان تحصیلات عالی کشور بعد ازتصدی یک ماهه این وزارت به صورت مفت وبدون کدام زحمت علمی به درجه های بلند علمی به صورت تقلبی نایل می آیند.این است داستان تحصیلات عالی در کشوری که جوانان اش با آرمان های زیادی به سوی دانشگاه‌ها می روند ،اما درتحصیلات عالی اش به جزمواد فرسودۀ درسی و کهنه چیزی دیگری یافت نمی شود.ازهمین سبب است که فارغین دانشگاه‌های افغانستان به زودی در بازارکاربه خود شغل دریافت نمی توانند، تعدادی ازدانشگاه های خصوصی که سیستم تحصیلات عالی کشورهای خارجی را می‌خواهند پیاده نمایند درچنین دانشگاه ها صرف فرزندانی کسانی می توانند راه پیدا نمایند که دارای زنده‌گی مرفه و از سرمایۀ هنگفتی برخوردارهستند که این امربرخلاف تحصیلات عالی برای همه است ودراین میان بسیاری ازاستعداد های نهفته دروجود جوانان توانمند کشور دفن می‌شوند وحالا هم با تأسف فراوان که این روند کماکان ادامه دارد.

گفت‌وگو کننده: هارون مجیدی

استقبال خوب از شاملو در افغانستان

گفت‌وگو با یعقوب یسنا پژوهش‌گر و استاد دانشگاه

اشاره:
یعقوب یسنا نامی است آشنا در حوزۀ شعر، داستان، پژوهش و نقد که در سال‌های پسین کارهای بی‌شماری در این بخش‌ها انجام داده و از او به عنوان یکی از پُر کارترین فرهنگیان افغانستان نام برده می‌شود.
آقای یسنا در گروه ادبیات فارسی دانشگاه کابل درس خوانده و چند سالی هم به عنوان مسوول گروه فارسی دانشگاه بیرونی در ولایت کاپیسا باقی مانده و به تازه‌گی به عنوان دانشجوی دکترا در یکی از دانشگاه‌های ایران پذیرفته شده است.
برای دانستن تأثیر کارهای احمد شاملو روی کارهای ادبی و فرهنگیان افغانستان، گفت‌وگوی با ایشان انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

***جناب استاد یعقوب یسنا! در آغاز اگر از نخستین آشنایی خود با کارهای احمد شاملو بگویید و این که احمد شاملو برای شما چگونه شاعری است و یا به لفظ دیگر، به باور شما احمد شاملو چه جایگاهی در شعر معاصر فارسی دارد؟**

پیش از این‌که دانشجو ادبیات در دانشگاه کابل شوم، با احمد شاملو و با شماری از شاعران ایرانی مانند نیما، فروغ، نادرپور، سهراب، اخوان و... آشنایی پیدا کرده بودم. این آشنایی بیشتر ارتباط می‌گرفت به خواندن کتاب «طلا در مس» رضا براهنی که یک جلدی بود، پوش (جلد) زرد پلاستیکی داشت. اگرچه آن موقع، به‌بحث‌های نخست کتاب که درباره چیستی شعر بود؛ چندان پی نمی‌بردم، اما حقیقت این است که ساختار فکری‌ام دربارۀ شناخت ادبیات با خواندن همان کتاب شکل گرفت و برای شناخت بعدی‌ام از ادبیات، ذهن‌ام را هدایت کرد و مسیر بخشید. اگرچه پیش از این، شاهنامه، گلستان، بوستان، لیلی و مجنون و... را خوانده بودم، ذوق ادبی و علاقه به ادبیات داشتم. اما مرحلهِ عبور از ذوق و دست‌یافتن نسبی به شناخت به‌مثابه آگاهیِ جدی‌تر از شعر به خواندن طلا در مس ربط دارد. حقیقت این است که از سال‌های دهه سی و چهل به‌بعد شماری از شاعران ایرانیِ (منظور از شاعران و نویسنده‌گان معاصر است؛ سنتی و کلاسیک که مشترک است)، داستان‌نویسان و اندیشمندان ایرانی به‌نوعی در افغانستان زبان‌زد عام و خاص استند. کسانی‌در عرصهِ ادبیات، هنر و اندیشه اندکی فعال و علاقه‌مند باشند، شمار زیادی از شاعران و نویسنده‌گان ایرانی را می‌شناسند.

رهنورد زریاب، داستان‌نویس افغانستانی، بار بار می‌گوید که ما در افغانستان چنان علاقه‌مند شاعران و نویسندگان ایرانی استیم که حتا می‌دانیم که شماره یخن و شماره کفش شان چند است. اما در ایران چندان علاقه وجود ندارد که شاعران و نویسنده‌گان ما و کارهای ما را بشناسند. این سخن رهنورد زریاب می‌تواند توجه ایرانیان را به کارهای ادبی افغانستانی‌ها معطوف کند اما حقیقت این است که ادبیات معاصر فارسی در دورۀ معاصر برای نخستین‌بار از ایران آغاز می‌شود؛ بعد در دو حوزه دیگر ادبیات فارسی یعنی در افغانستان و تاجیکستان رواج می‌یابد.

من دو گونه شناخت از شاملو داشتم. شناخت نخستم از شاملو به‌عنوان یک شاعر بوده که مانند ده‌ها شاعر دیگر در یک دوره شعر گفته‌اند. شناخت جدی شاملو برای یک فرد، آنگاه ممکن می‌شود که فرد به‌گونه‌ای چشم‌اندازی کامل‌تری از شعر فارسی در ایران پیدا کند. موقعی‌که این شناخت فراهم می‌شود؛ فرد کم کم به شناخت جایگاه شاملو در شعر و در ادبیات فارسی پی می‌برد. شناخت جدی‌ترم از شاملو پس از دانشجویی صورت گرفت. شعرها، ترجمه و آثار منثور شاملو را خواندم. دیدگاه انتقادی موافق و مخالف دربارۀ شاملو را نیز خواندم که موافقان شاملو از جمله دکتر ضیا موحد گفته بود که پس از حافظ، شاعری به بزرگی شاملو تکرار نشده است. فکر می‌کنم ادعاهای از این دست که چه در موافقت با یک شاعر گفته می‌شود یا چه در مخالفت با یک شاعر، بیشتر جنبه هجو و مدح دارد تا ارایه نگاه انتقادی و تاویل از متن‌های شعری یک شاعر.

حقیقتِ این است که شاملو برای مخاطبان‌اش یا درکُل برای جامعه فرهنگی، تنها یک شاعر نیست؛ بلکه فعالیت هنری و ادبی شاملو از او یک شخصیت چند بُعدی و فرهنگ‌ساز ساخته است که ای بسا تنوع فعالیت‌های فرهنگی شاملو می‌تواند جنبه‌های جنجالی و حتا متناقض از شخصیت شاملو ارایه کند. شاملو از یک‌سو دلبسته واژه‌گان کهن فارسی و واژه‌گان زبان کوچه و بازار فارسی است و از سویی دیگر بر فردوسی و شاهنامه می‌تازد. اگر از حقیقت نگذریم تاختن شاملو بر فردوسی و شاهنامه با آن رویکرد بیانگر کمی اطلاع شاملو دربارۀ ساختارهای معرفت اسطوره و داستان‌های اساطیری است.

شاملو برای من از چندین نگاه یک شاعر و شخصیت کاریزما است. چهره شاملو، شمرده شمرده سخن گفتن و شعر خواندن‌اش، حرکات‌اش و... از او برایم یک کهن الگو و یک ارکی‌تایپ ساخته است که انگار این آدم از ماقبل تاریخ دارد می‌آید. نوگرایی، انتقادهای سیاسی، کردارهای روشنفکری و... او نیز جذبه‌ای خاص نه تنها برای من بلکه برای چند نسل ادبی افغانستان دارد. حتا برای تعدادی سیگار دود کردن شاملو معنای ادبی و هنری دارد؛ خیال می‌کنند که با شعر سرودن و شعر خواندن ارتباطی جدی دارد!

دربارۀ جایگاه شاملو در شعر فارسی باید گفت که از چند نگاه جایگاه او در شعر فارسی خاص است: این که شعر نیمایی را دچار تحول کرد، شاخه‌ای جدی‌ای در شعر معاصر فارسی به وجود آورد که این شاخه، شعر شاملویی یا شعر سپید است. شعر شاملویی نه تنها در ایران بلکه در افغانستان نیز جریان‌ساز شد. مهمتر از همه شعر شاملویی و جریان شعر شاملویی، بوطیقایی را بر بوطیقاهای شعر فارسی افزود. غیر از این‌که شاملو، از اساس‌گزاران جدی شعر شاملویی بود؛ در نقد و نظریه‌پردازی دربارۀ شعر، به‌ویژه دربارۀ معرفی بوطیقای شعر شاملویی نوشت که این نقد و نظریه‌ها در تاریخ نقادی شعر فارسی درخور اهمیت است.

شاملو برای من از چندین نگاه یک شاعر و شخصیت کاریزما است. چهره شاملو، شمرده شمرده سخن گفتن و شعر خواندن‌اش، حرکات‌اش و... از او برایم یک کهن الگو و یک ارکی‌تایپ ساخته است که انگار این آدم از ماقبل تاریخ دارد می‌آید. نوگرایی، انتقادهای سیاسی، کردارهای روشنفکری و... او نیز جذبه‌ای خاص نه تنها برای من بلکه برای چند نسل ادبی افغانستان دارد. حتا برای تعدادی سیگار دود کردن شاملو معنای ادبی و هنری دارد؛ خیال می‌کنند که با شعر خواندن ارتباطی جدی دارد!

***کارهای احمد شاملو چه زمانی و چگونه به دست فرهنگیان و کانون‌های ادبی افغانستان رسید؟**

یعقوب یسنا: کارهای شاملو باید از نیمه دهه چهل به بعد در افغانستان رواج یافته باشد؛ زیرا از نیمه دهه پنجاه به بعد تعدادی از شاعران افغانستان، شعر شاملویی و سپید سروده‌اند. بنابراین باید چند سالی از آشنایی شاعران با شعر شاملویی گذشته باشد تا اقدام به سرایش شعر شاملویی کرده باشند.

فکر می‌کنم همیشه شاعران و نویسنده‌گان افغانستانی علاقه و گرایش به ادبیات ایران داشته است. این علاقه و گرایش موجب می‌شده که کارهای ادبی ایران به افغانستان برسد. در دهۀ سی ما در ادبیات افغانستان نمونه‌های از سرایش شعر نیمایی را داریم که کم کم شعر نیمایی در افغانستان به یک جریان تبدیل می‌شود. در ادامه شعر نیمایی در دهۀ پنجاه، شعر شاملویی در افغانستان رواج می‌یابد و به جریان تبدیل می‌شود. این رواج شعر نیمایی و شاملویی نشان می‌دهد که شاعران و نویسنده‌گان افغانستان به‌طور جدی پیگیر ادبیات ایران بوده است؛ به‌نوعی به تجربه‌های مدرنیت و تحول ادبی در ایران چشم دوخته بوده‌اند و می‌خواسته‌اند از این تجربه‌ها استفاده کنند. برای این‌که ادبیات ایران و افغانستان را جدا نمی‌دانسته‌اند؛ فقط موانع برای دسترسی به ادبیات ایران در افغانستان، مکان و جغرافیا بوده است که این موانع نیز قابل رفع بوده است. بنابراین، نمی‌شود زمان مشخصی را تاریخ‌گذاری کرد که در این زمان شعر نیمایی یا شاملویی به افغانستان رسیده است؛ زیرا ما در یک حوزه زبانی، ادبی، فرهنگی و معرفتی با پیشینه مشترک تاریخی قرار داریم که این حوزه زبانی و ادبی خود بستر و زمینه برای مناسبات فرهنگی می‌شود.

***شماری به این باور اند که کارهای احمد شاملو برای نخستین‌بار از طریق فعالان سیاسی چپ وارد افغانستان شد، آیا واقعاً چنین است؟**

یعقوب یسنا: جریان‌های چپ معمولاً در تحولات فکری، ادبی و فرهنگی چه در ایران و چه در افغانستان تاثیرگذار بوده است. زیرا جریان‌های چپ به نوعی بیشتر از جریان‌های راست با تحولات ادبی و فرهنگی چه در حوزه ادبیات سوسیالیستی و چه در حوزه ادبی اروپا و فرانسه درگیر بوده‌اند و تحولات ادبی را در جهان دنبال می‌کرده‌اند؛ می‌خواسته‌اند ادبیات فارسی نیز این گونه تحولات را تجربه کند.

شاعرانی که در افغانستان به‌صورت جدی به شعر معاصر و ادبیات معاصر پرداخته‌اند، معمولا گرایش چپ داشته‌اند؛ اگر این گرایش در حدِ گرایش حزبی نبوده است، اما گرایشی نسبتا فَرهنگی و معرفتی نسبت به جریان‌های چپ داشته‌اند. واصف باختری که یکی از شاعران جدی شعر معاصر افغانستان است. در جریان‌سازی شعر نیمایی و شاملویی، جایگاهی خاص در شعر معاصر افغانستان دارد؛ از جملهِ شاعران و ادبیات شناسانی است که گرایش چپ دارد.

اگرچه من رواج شعر نیمایی، شاملویی و ادبیات معاصر ایران را در افغانستان بیشتر بنابه حوزۀ زبانی و ادبی مشترک می‌دانم و تأکید می‌کنم که حوزۀ زبانی و ادبی مشترک، درهر صورت موجب این مناسبات فرهنگی شده و می‌شود. با این‌هم نقش جریان‌های چپ را در تسریع این مناسبات ادبی و فرهنگی نمی‌توان نادیده گرفت.

***در آغاز، کدام رده از شاعران افغانستان از شاملو بیشتر تأثیرپذیری شدند و آیا این کار اقبالی و موفقیتی هم در پی داشت؟**

یعقوب یسنا: همان شاعرانی که رواج‌دهندۀ شعر نیمایی در افغانستان بودند؛ در آغاز همان‌ها نیز به معرفی و رواج شعر شاملویی در افغانستان پرداخته‌اند. طوری‌که اشاره شد واصف باختری از جمله جدی‌ترین شاعران نیمایی‌سرا در افغانستان است که دقیق‌ترین شعرهای نیمایی را سروده است؛ این شاعر نیز از جمله نخستین کسانی است که در دهه پنجاه شعر شاملویی می‌سراید. بنابراین، می‌توان گفت شاعرانی به شعر شاملویی توجه کرده‌اند که از حامیان نوگرایی در شعر بودند. طبعاً اینان برای تقویت نوگرایی در شعر از پیشنهادهای نیما استفاده کردند و همچنان تحول شعر ایران را پیگیری می‌کردند که متوجه تفاوت‌های کار شاملو با شعر نیمایی شدند و از این تحول نیز در شعر افغانستان استقبال کردند.

از شعر شاملویی در افغانستان استقبالی خوب صورت گرفته است؛ همین‌که نخستین شعرهای شاملویی در افغانستان سروده شده است، شاعرانی در افغانستان تلاش به جریان‌سازی شعر شاملویی کرده‌اند که مجموعه‌های شعر شاملویی ارایه کرده‌اند. اگر قرار باشد شعر افغانستان جریان‌شناسی شود؛ یکی از جریان‌های عمده در شعر افغانستان جریانی شاملویی است. واصف باختری، رفعت حسینی، پرتو نادری، لطیف پدرام، شجاع خراسانی و... از جمله نخستین شاعرانی استند که شعر شاملویی سروده‌اند. پرتو نادری و لطیف پدرام در ضمنی‌که از جمع نخستین سراینده‌گان شعر شاملویی استند؛ از جمله نخستین شاعرانی نیز استند که مجموعه‌شعرهای مستقل شاملویی نیز ارایه کرده‌اند.

***چرا تأثیر شعر شاملو، همچون کارهای نیما و یا قالب نیمایی اقبال چندانی در افغانستان نداشته است؟**

یعقوب یسنا: چنین نیست که شعر شاملویی مانند کارهای نیما در افغانستان اقبال رواج یا بازده ادبی نداشته است. اگر شعرهای افغانستان را دقیق بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که شعر شاملویی در افغانستان در ادامه شعر نیمایی، رواجی چشمگیر داشته است. کتابی را محمود جعفری به‌نام «شعر سپید چیست؟» نوشته است. در این کتاب شاعران شاملویی‌سرا را معرفی کرده است. در ضمنی که شمار این شاعران زیاد است؛ معلوم میشود که این شاعران شامل چندین دهه استند. این امر نشان می‌دهد که شعر شاملویی چندین دهه است رواج و به نوعی تا هنوز نیز ادامه دارد.

البته باید اشاره کرد که در افغانستان نسبت به درک و شناخت درست از شعر شاملویی، ساده‌انگاری و سهل‌انگاری صورت گرفته است. تعدادی بدون درک درست ویژه‌گی‌های ادبی و هنری شعر شاملویی، نمونه‌های نسبتا بدی بنام شعر شاملویی ارایه داده‌اند که تا شعر باشند، نثر استند. درحالی‌که شاملو از نثر به عنوان امکان شعری استفاده کرده است؛ یعنی امکانِ شعری نثر را بیدار کرده است تا با استفاده از این امکان، نثر را تقرب بدهد به شعر نه این که شعر را تقلیل بدهد به منطق نثر.

مرز ویژه‌گی‌ها و امکان‌های شعری با منطق نثر در شعرهای شاملو همیشه مشخص و قابل تشخیص است. شعر شاملویی، ساختار، ترکیب‌سازی، ایجاد ابهام، فشرده‌سازی، چگونگی استفاده از فعل، صفت و...، تخیل و همذات‌پنداری‌ها، ساختن واژه‌های جدید، آغاز و انجام مخصوص به‌خود را دارد که باید این موارد در سَرایش شعر رعایت شود؛ در غیر آن شعر تقلیل پیدا می‌کند به منطق نثر.

متاسفانه شماری بدون درک این ویژه‌گی‌های شعر شاملویی، دچار این ساده‌انگاری شده‌اند که چند کلمه را زیر به‌زیر نوشت، وزن نداشت و منثور بود؛ آن شعر، سپید یا شاملویی است.

***کدام بخش از کارهای شاملو در افغانستان بیشتر تأثیرگذار بوده است: شعر، ترجمه و یا پژوهش‌هایش.**

یعقوب یسنا: شعر شاملو در افغانستان بیشتر از ترجمه و پژوهش‌هایش خوانده شده است و تاثیرگذار بوده است که این تاثیرگذاری خود را در رواج فرم شعر شاملویی نشان داده است.

***اگر چشم اندازی به شعر پساطالبان در افغانستان داشته باشیم، در شعر و کارهای ادبی این دوره حضور احمدشاملو چگونه بوده است؟**

یعقوب یسنا: پیشنهادم این است که نام طالبان را بر شعر و ادبیات افغانستان نگذاریم. بهتر است به‌جای «شعر پساطالبان» بگوییم شعر دهه هشتاد و دهه نود. در شعر دهه هشتاد نیز شاملو تاثیرگذار بوده است. مجموعه‌های شعری و شعرهای از مهدی سرباز، مجیب مهرداد، امان پویامک، کریمه شبرنگ، یاسین نگاه، هادی هزاره و... داریم که از نظر بوطیقا شاملویی استند و می‌توانند به‌نام شعر شاملویی دسته‌بندی شوند. در ضمن شماری از شاعران دهه پنجاه نیز به سرایش شعر شاملویی تا دهه هشتاد و... ادامه داده‌اند و نمونه‌های از شعر شاملویی دارند که پرتو نادری، لطیف پدرام، افسر رهبین و... از این جمله اند.

***جناب یسنا! ممنون از این که برای این گفت‌وگو فرصت گذاشتید.**

یعقوب یسنا: جناب مجیدی، سپاس‌گزارم.

عطا محمد نور دهن باز کرد:

عبدالله مار آستین است

مأمور بادآورده نیستم!

ابوبکر صدیق

عطا محمد نور والی بلخ دیروز (دوهم جدی) در نشست گرامی‌داشت از شهادت عبدالقادر ذبیح‌الله از فرماندهان ارشد جهادی با اشاره به منظوری استعفاخطش از سوی ارگ و تنش‌های به‌میان آمده، از یک سری ناگفته‌ها پرده برداشت و گفت: حکومت مرکزی به‌ویژه ارگ و سپیدار از حضور جامعه بین‌المللی، امریکا و انگلیس استفادۀ غیرمشروع نکنند.

آقای نور با تأکید افزود که این دو نهاد نباید ما را از حضور خارجی‌ها تهدید کنند و از آنان ما را بترسانند، چون تجربه‌های گذشته نشان داده که چنین سیاست‌هایی موثر تمام نشده است. من مامور باد آورده نیستم که با حکم غنی تعیین شده باشم و با حکم او کنار بروم.

آقای نور افزود که تا فرجام‌ترین لحظات از مبارزه و دفاع از حقوق مشروع مردم توقف نخواهد کرد و خود را قربانی خواست‌های مشروع مردم می‌کند.

آقای نور با تأکید افزود: داکتر عبدالله به عنوان مار آستین در برابر او و سایر همسنگرانش عمل می‌کند، در حالی‌که از نشانی جمعیت به قدرت رسیده است، اما در حق این حزب و شمار دیگر از همسنگران خود جفا کرده است.

آقای نور با تأکید کرد که در نشست‌های مختلف با ارگ، به‌ویژه با محمد اشرف غنی رییس حکومت وحدت ملی در رابطه به تقسیم کرسی‌های دولتی و وزارتخانه‌ها نقش برجسته‌داشته است.

به گفتۀ آقای نور، تغییر و تبدیل شدن یک مامور در نظام حکومت یک امر عادی و معمولی است، اما فلسفۀ حکومت وحدت ملی به اساس توافقنامۀ سیاسی ایجاد شده است که یک طرف وزنۀ این توافق‌نامه ما قرار داریم و طرف دیگر ارگ قرار دارد، بنا ارگ نمی‌تواند طرف مقابل خود را خذف کند.

والی بلخ می‌گوید که تلاش کردن به حذف یک طرف فلسفۀ وجود نظام حکومت وحدت ملی را نابود می‌سازد که به نفع هیچ طرفی نیست.

او گفت: پس از به بحران رفتن انتخابات سال ۲۰۱۴ که نظام به پرتگاه سقوط نزدیک شده بود، پای وزیر خارجۀ امریکا در میان آمد، نتیجه به تشکیل حکومت توافقی شد و قدرت ۵۰ – ۵۰ تقسیم شده است.

او گفت که در جریان انتخابات تلاش‌های جدی را به نفع داکتر عبدالله به‌خرج داده است، اما امروز داکتر عبدالله بسان مار آستین در برابر او و سایر همسنگرانش عمل می‌کند.

آقای نور با کنایه گفت: در شناخت عبدالله اشتباه کرد و در جریان انتخابات در برابر همۀ بحران ها ایستاده شد و حتا در تقسیم کرسی‌ها مراسم تحلیف نقش برجسته داشته است.

او گفت: به عنوان نمایندۀ با صلاحیت حزب جمعیت در مذاکرات مستقیم با رییس حکومت وحدت ملی، اشترک کرده و یگانه تأکید آن تأمین عدالت و عملی شدن توافق‌نامۀ تشکیل حکومت وحدت ملی، توزیع شناس‌نامه‌های برقی، برگزاری لویه‌جرگه تعدیل قانون اساسی بوده است.

آقای نور هرچند گفت: ما که یک طرف تشکیل حکومت وحدت ملی بودیم و کرسی ولایت بلخ نهایت برایش کوچک است، اما افزود که حضور او در بلخ تنها برای خدمت به مردم و تأمین امنیت است.

آقای نور با بیان این‌که در مذاکرات با ارگ یک‌طرف قضیه بوده و در حال حاضر به عنوان والی بلخ باقی می‌ماند، اما افزود که در صورتی که حکومت از قوۀ قهریه استفاده کند، به دفاع از حق مشروع خود ا یستاده خواهد شد.

آقای نور بابیان این‌که از تلاش‌های محمداشرف غنی رییس حکومت وحدت ملی، برای کنار زدنش از ولایت بلخ گلۀ ندارد، افزود که اگر اشرف غنی ۲۰ درصد برای کنار زدن او تلاش کرده، داکتر عبدالله ۷۰ – ۸۰ درصد به این امر جدیت به‌خرج داده است.

والی بلخ با سپاس گزاری از تمام کسانی‌که به حمایت از او صدا بلند کرده‌اند، افزود که دولتی که در تلاش کنار زدن، نور، جنرال رازق و سایر افراد و شخصیت‌های ملی است، باید بداند که این افراد در جای‌خود مستحکم‌اند و این تلاش‌ها بیهوده است.

والی بلخ در قسمت از سخنانش، از ارگ ریاست جمهوری خواست که به نفاق‌های قومی و قبیله‌یی دامن نزند و افزود که بحث بزرگی از نیروهای امنیتی کشور از قشر مربوط ماست و در صورت که اوضاع به وخامت برود بالای آنان نیز صدا خواهد کرد.

او هم‌چنان، از شرکای بین‌المللی خواست که در امور داخلی افغانستان دست درازی نکنند و افزود که در صورتی‌که حکومت از مقررات قانونی عدول کند از هر گزینۀ استفاده خواهد کرد.

آقای نور افزود که حزب جمیعت در انتخابات آینده با یک نامزد جدید انتخاباتی روی صحنه می‌یاید و در حال حاضر سپیدار از آنان نماینده‌گی کرده نمی‌تواند.

آقای نور داکتر عبدالله را متهم به دامن‌زدن بی‌اتفاقی میان افراد برخی ولایت‌ها کرد و افزود که شمار زیاد از فرماندهان جهادی و شخصیت‌های تاجیک توسط عبدالله منزوی شده‌اند.

آقای اضافه کرد که مارشال صاحب بارها می‌گفت که عبدالله در نیم راه رهایت می‌کند و آبرویت را می ریزاند، اما تأکید ما این بود که این همسنگر قهرمان ملی است و ما اشتباه کردیم و زمانی که مطمین شدم عبدالله توان دفاع از حق ما را ندارد با ارگ وارد مذاکره شدم.

آقای نور در پایان سخنانش هوا دارانش را به آرامش دعوت کرد و گفت: عبدالله بسان سایر همسنگرانش تلاش می‌کند او را نیز منزوی کند، اما این برنامه پیش از پیش از طرف او خنثا شده است.

این در حالی است که در جریان هفتۀ گذشته ارگ استعفا خط عطا محمد نور والی بلخ را امضا کرد و به‌جای او انجینر داوود را به این ولایت معرفی کرد، اما آقای نور می‌گوید که استعفای او منتفی است.

روسیه:

با امریکا در افغانستان همکاری می‌کنیم

یک مقام وزارت خارجه روسیه روز (شنبه) گفت، مسکو آماده همکاری با ایالات متحده امریکا درباره افغانستان است.

ضمیر کابولف، نماینده ویژه رییس‌جمهوری روسیه در امور افغانستان و رئیس بخش منطقه آسیا در وزارت خارجه روسیه گفت، کشورش تماس‌ها با آلیس ولز، معاون وزیر خارجه امریکا را حفظ کرده است.

به گفته کابولف، اکنون بیش از ۱۰ هزار شبه‌نظامی مسلح و آماده داعش در داخل افغانستان حضور دارند و هر روز تعداد بیشتری از آنان عمدتا از سوریه و عراق وارد آنجا می‌شوند.

این مقام ارشد روسیه گفت، بسیاری از شبه‌نظامیان داعشی که از آن کشورها خارج می‌شوند نهایتا به افغانستان می‌رسند. به گفته او، ایالات متحده امریکا مکررا هشدارهای روسیه را نادیده می‌گیرد و هنوز تهدید داعش در این کشور آسیای میانه را درک نکرده است.

کابولف در مصاحبه با ریانوستی تاکید کرد: روسیه در میان اولین کشورهایی است که درباره توسعه داعش در افغانستان هشدار داد. اخیرا هم حضور آن در این کشور تقویت شده است. برآورد ما این است که تعداد نیروهای آنها بیش از ۱۰ هزار تن است و این میزان رو به افزایش است. این شامل شبه‌نظامیان جدیدی هم می‌شود که در سوریه و عراق تجربه جنگی کسب کردند.

نماینده ویژه پوتین در افغانستان افزود: قطعا اهداف داعش توسعه نفوذش فراتر از افغانستان است و در واقع آنها از این کشور به عنوان پایگاه استفاده می‌کنند. این تهدیدی جدی برای آسیای میانه و بخش‌های جنوبی روسیه است.

نماینده ویژه رئیس جمهور روسیه هم‌چنین تاکید کرد: غرب همیشه تلاش کرده است تا روسیه را متهم به پشتیبانی از طالبان کند و ما هم پاسخ دقیق به آنها داده‌ایم، در همین حال آنها هیچ مدرکی دال بر پشتیبانی ما از طالبان ارائه نمی‌کنند، به خاطر اینکه اساسا وجود ندارد.

پیشتر رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه امریکا به طور مستقیم فدراسیون روسیه را متهم به ارسال سلاح به طالبان کرد.

در ماه اکتبر نیز، جیمز ماتیس، رییس پنتاگون گفت: ایالات متحده امریکا شواهدی از پشتیبانی روسیه از جنبش طالبان در دست دارد، اما ماهیت آن پشتیبانی روسیه را از این گروه تعیین نمی‌کند، زیرا ما بر این باوریم که این پشتیبانی‌ها منافع ملی روسیه را برآورده نمی‌کنند.

از سوی دیگر زمان محمد اتمر، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور افغانستان نیز گفته است، کابل هیچ مدرکی که نشان از پشتیبانی روسیه از طالبان باشد ،در دست ندارد.

د انتخاباتو د تر سره کولو په اړه له حکومته د ولسي جرګې غوښتنه

د افغانستان ولسي جرګه له حکومته غواړي، کومې کړنلارې چې د ولسي جرګې او د ولسوالیو د شوراګانو د انتخاباتو لپاره په پام کې نیول شوي، باید د خلکو داندېښنو د لرې کولو لپاره، له ملت سره شریکې شي.

د افغانستان ولسي جرګه خبرداری ورکوي، که د انتخاباتو د څرنګوالي په اړه ملت ته معلومات ور نه کړل شي، مسؤلیت به یې د حکومت په غاړه وي.

د ولسي جرګې دوهم مرستیال محمد نذیر احمدزي چې د شنبې په ورځ «د ۱۳۹۶ کال د مرغومي په ۲ مه» یې د جرګې مشري کوله، ویې ویل چې خلک د راتلونکو انتخاباتو په اړه اندېښمن دي.

ښاغلي احمدزي وویل:

«ملي شورا تل د انتخاباتو په اړه خپل بېړي توب ښودلی، خو له حکومته مو غوښتنه دا ده چې خلک مورږ پوښتي، کوم طرزالعمل چې د حکومت له خوا وینو او وایي چې په اوسنیو تشکیلاتو او په کاغذي تذکرو به انتخابات وکړو، دا ناممکنه ده،د دې ټولو مسؤلیت به د حکومت پرغاړه وي، نه زمورږ.»

دا خبرې په داسې حال کې کېږي چې په دې وروستیو کې د امریکا د ولسمشر د مرستیال او د افغان ولسمشر اشرف غني په لیدنه کې د ولسي جرګې، د ولسوالیو د شوراګانو او د ولسمشرۍ د انتخاباتو په خپل وخت جوړولو ټینګار شوی دی.

دغه شان د ولسي جرګې ځینو نورو غړو هم د موضوع په تړاو خبرې وکړې او د انتخاباتو په برخه کې یې د حکومت او د انتخاباتو د کمېسیون پر کمزورو هڅو انتقادونه وکړل.

هڅه مو وکړه د ولسي جرګې د غوښتنې په اړه د حکومت نظر هم ولرو، خو ولسمشرۍ مانې دغه موضوع تخنیکي وګڼله او وېې ویل چې په دې اړه باید د انتخاباتو خپلواک کمېسیون ځواب ووایي.

په افغانستان کې نن سبا د ولسي جرګې او د ولسوالیو د شوراګانو د انتخاباتو موضوع ډېره توده ده او پر ملي شورا سربېره، ځینې انتخاباتي بنسټونه هم شک لري چې دغه انتخابات به په ټاکلي وخت ترسره نه شي.

د افغانستان د ازادو او عادلانه انتخاباتو د بنسټ اجرائیه رئیس یوسف رشید وایي، هم حکومت او هم د انتخاباتو خپلواک کمېسیون د انتخاباتو په اړوندو چارو کې پخ عمل کوي.

ښاغلی رشید وایي:

«کوم کارونه چې د حکومت او د انتخاباتو د خپلواک کمېسیون په غاړه دي، لکه تخنیکي، تشکیلاتي، د انتخاباتو ملاتړې او مرستندویې موضوعګانې، امنیت، بودجه، لوژستیک او داسې نور، مورږ باوري کوي، کومه نېټه چې د انتخاباتو خپلواک کمېسیون اعلان کړې، انتخابات په کې ناممکن دي.»

بل خوا د انتخاباتو د خپلواک کمېسیون ویاند ګلاجان عبدالبدیع صیاد ټینګار کوي چې انتخاباتي کارونه د کمېسیون له خوا په ښه توګه پرمخ ځي او زیاتوي:

«زمورږ تصمیم واضح دی، د انتخاباتو نېټه اعلان شوې، ټول عملیاتي او د بودجوي او د رأی ورکوونکو د نومونو د ثبتولو پلان تیار شوی دی.»

د انتخاباتو خپلواک کمېسیون د ۱۳۹۷ لمریز کال د سرطان ۱۶ مه، د ولسي جرګې او د ولسوالیو د شوراګانو د انتخاباتو لپاره اعلان کړې ده.

د افغانستان د ازادو او عادلانه انتخاباتو بنسټ فیفا د خلکو او د ولسي جرګې اندېښنې پرځای ګڼي او ټینګار کوي چې حکومت، د انتخاباتو خپلواک کمېسیون او نړیواله ټولنه دې د انتخاباتو لپاره، د یوه کره میکانیزم په جوړولو لاس پورې او خلک دې، په دې اړه له ستونزو او پرمختګونو خبر کړي.

فیسبوک نامه

صلاح‌الدین ربانی

اول جدی، سالروز نخستین انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در تاریخ معاصر افغانستان است. کشوری که در تاریخ معاصرش، جابه‌جایی قدرت سیاسی همواره با خون و آتش همراه بوده است، در اول جدی سال ۱۳۸۰ خورشیدی برای نخستین‌بار شاهد انتقال مسالمت‌آمیز قدرت بود. پس از توافقات بُن، استاد برهان‌الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت و شهید صلح، به عنوان رییس دولت اسلامی افغانستان رهبری دولت را به حامدکرزی، رییس اداره مؤقت افغانستان سپرد. رهبر جهاد و مقاومت و شهید صلح، به نماینده‌گی از مجاهدین افغانستان که با قربانی‌های ملیونی، از عزت مردم و آزادی سرزمین خویش در برابر کمونیزم و تروریزم پاسداری کرده بودند، با انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، این سنت حسنهٔ سیاسی را اساس گذاشت. او با این شهکار تاریخی‌اش، خواست تا مردم‌سالاری و همبسته‌گی ملی بیشتر تقویت و نهادینه شود و مسوولیت رهبران بعدی حکومت افغانستان بود تا این تجربهٔ گران‌سنگ تاریخی در راستای نهادینه شدن مردم‌سالاری تقویت و نهادینه شود، اما با تأسف که صدای پای برگشت استبداد، خودکامه‌گی و بی‌توجهی به خواست‌های مردم که در تضاد با یک جامعهٔ مردم‌سالار است، احساس می‌شود که نسل نو خانوادهٔ بزرگ جهاد و مقاومت، با هوشیاری و بیداری کامل، نخواهند گذاشت مردم افغانستان، عقب‌گرد را تجربه کنند.

عبدالاحد هادف

مصیبتِ بزرگان

تجربه ثابت کرده که چاپلوس‌ها برای بزرگان به مثابهٔ زهرِ مقاتل اند و قبر یک کلان را چاپلوس می‌کند و ریشه و بنیاد او را در حالی می‌سوزاند که مقرب و محبوب است. اتفاقاً چاپلوس‌ها در عین خفت و حقارت‌شان، خیلی مهارت زبان دارند و حقه‌بازی بلد اند و نماز درهم و دینار را خوب به جا می‌آورند و چه بسا که اهل دانش و قلم اند و با فریب کلمات و تلاعت با الفاظ، از تخم طلا می‌سازند و الماری را الماس نشان می‌دهند و خلاصه در پی منفعت باطل خود با قلم، قدم می‌زنند.

وقتی یک کلان به خطا جراب یا تنبان خود را چپک می‌پوشد، فیسبوک‌نویس به عجله مطلب می‌گذارد و از تیوری وایبر و پوپر شروع می‌کند که گویا فلسفهٔ این پوشیدن چه بوده و چه حکمت‌ها و درایت‌ها در این عمل نهفته است. زمانی که بالای کسی بدزبانی می‌کند، آن را عین دُرفشانی نشان می‌دهند و چون سبک می‌شود، او را به حدی سنگین به تصویر شند که صخره از وزن او می‌شرمد. هرگاه یک شبه صدبار جهت بدل می‌کند و به چند قبله اقتدا می‌کند، قلم مداح به همان تعداد به او بهانه و برهان از کتاب حکمت می‌آورد. و قس علی هذا...

این‌جا است که کلان مسکین دچار خودفریبی می‌شود و همان‌گونه که ساده‌گی و فریب خود را در بخشش درهم و دینار یا دالر و موتر به چاپلوس به نمایش می‌گذارد، بالاخره بهای این ساده‌گی و فریب را زمانی سنگین می‌یابد که با واقعیت‌های تلخ مواجه می‌شود و خود را در مواجهه با همه می‌یابد و درک می‌کند که برخلاف تصویر و تشویق چاپلوسان، کار او حکیمانه نبوده و گام‌های سستی برداشته و راه‌های ناهمواری را رفته که اینک به جای رسیده که اولین کسی که او را ترک خواهد گفت، همان مداحان و متملقان اند.

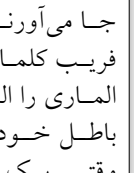

نور رحمان اخلاقی

مواردی که از آریانا نیوز نشر شده است، بخشی از خواست‌های جمعیت اسلامی است. خواست‌های اصلی جمعیت اسلامی، تطبیق کامل توافق‌نامه حکومت وحدت ملی، اصلاحات بنیادین و تغییر نظام است و ما به عنوان راه‌حل بنیادین افغانستان، این خواست‌ها را پیوسته مطرح کرده‌ایم و به آن معتقدیم. طرف حکومت که در تمام عرصه‌ها شکست خورده و برای مردم افغانستان اندک‌ترین کاری انجام نداده است، همه تلاشش متمرکز بر این است که بتواند فضای تبلیغاتی را در کنترل گیرد و جهت دهد که به همت فعالانِ رسانهٔ جمعیت اسلامی، هواداران و مؤتلفین این حزب و جامعهٔ خبرنگاری افغانستان، در این عرصه نیز ناکام است و واقعیت‌ها آن‌گونه که هست، به مردم می‌رسد و خواهد رسید.

جهاد و مقاومت و پیش‌بینی تهدیدِ جهانی تروریسم

سید صمیم مدبر////////// بخش نخست

طالبان با کمک القاعده و حامیان منطقه‌یی‌شان در سال ۱۳۷۵ به کابل مسلط شدند. ابتدای زمان، برای شهروندان آواره و دربه‌درِ ناشی از جنگ‌های داخلی، خوش‌بینی‌ها مبنی بر مسلط شدن یک جناح مذهبی بی‌طرف وجود داشت، اما بعد از گذشت زمان، رُخ دیگر حاکمیت طالبان و حامیان تروریستی‌شان نمایان شد؛ رخی که در خود ترور، توطیه و افراط را در بالا جاها جا داده بود. رخی که با تحریف مولفه‌های دینی، آزادی و حقوق شهروندان به ویژه زنان را محدود کرده بود و حقوق فردی و آزادی‌های عمومی، به کم‌ارزش‌ترین مباحث تقلیل یافته بود.

اسامه بن‌لادن، رهبر گروه تروریستی القاعده با حمایت و دعوت مستقیم طالبان وارد افغانستان شد و عملاً دست به ایجاد پایگاه‌های آموزشی و جلب و جذب تروریستی و پایگاه‌های تجربیهٔ نظامی زد تا بتواند حمالات تروریستی را به صورت منظم از افغانستان به منطقه و جامعهٔ جهانی رهبری کند.

جنایات، ظلم و رنجش‌های بی‌شماری که حاکمیت طالبان بر مردم افغانستان به ارمغان آورد، سبب شد تا همه گروپ‌های جهادی-سیاسی، بازماندگانِ حکومت کمونیستی که در گذشته با این‌که با هم سابقهٔ برخورد نظامی را داشتند، در کنار هم با مردم و ملت افغانستان زیر یک چتر واحد جبههٔ متحد ملی مردم افغانستان یا همان جبههٔ مقاومت ملی گرد هم آیند و برای مبارزه با حاکمیت طالبان، القاعده و حامیان منطقه‌یی‌شان تا آخرین توان مبارزه کنند.

مردم افغانستان در زمان مقاومت ملی(۱۳۷۵-۱۳۸۰) با درک واقع‌بینانه از ماهیت و خطر تروریسم و جزوه‌های تاریک حاکمیت طالبان برای افغانستان، منطقه و جهان در مبارزه با این حاکمیت قربانی‌های زیادی را متحمل شدند. از خانه‌های‌شان کوچ اجباری داده شدند، زمین‌های‌شان در سیاست زمین سوخته به آتش زده شد، درختان‌شان از ریشه قطع گردید، فرزندان‌شان شهید و خود آواره و دربه‌در به ملک‌های بیگانه سرازیر شدند.

دورهٔ مقاومت، افغانستان خط اول جنگ در مبارزه با تروریزم بود، اما جامعهٔ جهانی با دید خیلی اسفبار نسبت به وضعیت و مبارزهٔ مردم افغانستان عمل کرد و نگاه بی‌طرفانه به این مسأله داشت. بی‌خبر از این‌که تروریسم پدیدهٔ سرزمین‌محور بود و طالبان و القاعده برای خود مرزهایی را محدود نمی‌دانستند و تهدیدی برای منطقه و جهانی بودند. ارتش یک نفره؛

اصطلاح ارتش یک نفره را می‌توان به شهید احمدشاه مسعود، فرمانده عمومی مقاومت ملی مردم افغانستان نسبت داد. قهرمانی ملی کشور به عنوان مغز متفکر مقاومت در بدترین شرایط، جبههٔ مقاومت ملی را با طرح و دید استراتیژیک نظامی و سیاسی رهبری کرد. شهید احمدشاه مسعود، مسلمان معتدل، هم‌وطنِ ملی‌گرا، فرمانده با رسوخ، چریک نامدار شرق و نگه‌دارنده و پاسبانِ استقلال مردم افغانستان در دورهٔ مقاومت در برابر تروریسم و حامیانِ منطقه‌یی‌شان بود.

فرمانده مسعودِ شهید با نیروهای مقاومت ملی در خط اول جنگ در مبارزه با تروریزم جهانی قرار داشت و به تنها مانع در برابر گسترش تروریزم در منطقه مبدل شد. در اوج ناامیدی‌ها و احتمالات مبنی بر شکست مقاومت، فرمانده عمومی مقاومت گفت : «اگر به اندازهٔ پکولم(کلاه) در افغانستان جای داشته باشم، از مقاومت دست بر نخواهم داشت».

احمدشاه مسعود به عنوان فرمانده عمومی مقاومت ملی، در عقب راندن نیروهای طالبان، القاعده، کماندوهای پاکستانی و دفاع از ساحات تحت کنترل دولت اسلامی افغانستان به یکی از کاریزماترین شخصیت‌های سیاسی-نظامی منطقه و جهان مبدل شد و با مبارزات خود در مقابل تروریزم جهانی، از گسترش بیش از حد تروریزم به جانب جهان جلوگیری کرد و برای افغانستان و ملت آن، تاریخ با افتخاری را به ارمغان آورد.

ورزش

اِزار:

تماشای بازی رونالدو، مسی امباپه و نیمار را دوست دارم

هافبک بلژیکی آبی‌پوشان لندنی می‌گوید که از تماشای بازی رونالدو، مسی، امباپه و نیمار لذت می‌برد.

ادن اِزار که در سال ۲۰۱۷ موفق به زدن ۱۹ گل برای چلسی و تیم ملیِ فوتبال بلژیک شد، در گفت‌وگو با شبکهٔ تلویزیونی «اسکای اسپورتس» در مورد بهترین لحظه از دوران حرفه‌یی‌اش در سال ۲۰۱۷ گفت: شبی که قهرمان لیگ برتر شدیم. ما آن شب خوب بازی نکردیم، اما قوی باقی ماندیم و در نهایت گل برتری را به ثمر رساندیم. تنها مشکلی که وجود داشت، این بود که ما خارج از خانه قهرمان شدیم و اگر در استمفوردبریج بودیم، شاید بیشتر و بهتر جشن قهرمانی‌مان را برگزار کنیم. ما سال فوق‌العاده‌یی را سپری کردیم. این را هم نباید فراموش کرد که قهرمانی در لیگ برتر کار آسانی نیست چون لیگ برتر، لیگ سختی است.

او در خصوص بهترین بازیکنان سال ۲۰۱۷ هم اظهار داشت: کایلیان امباپه، بازیکنی که هر روز در موردش صحبت می‌کنیم. او بازیکن خیلی مستعدی است و در کنار داشتن مهارت‌های فردی، فصل گذشته برابر تیم‌های بزرگ در لیگ قهرمانان اروپا هم گلزنی کرد. به نظرم او در آیندهٔ نزدیک توپ طلا را از آن خود خواهد کرد، چون بازیکن خاصی است. تماشای بازی کریستیانو رونالدو، لیونل مسی، امباپه و نیمار را دوست دارم، چون عاشق فوتبال هستم. بهترین بازیکن چلسی در سال ۲۰۱۷ هم بدون شک اِنگولو کانته بوده است. او یکی از بهترین هافبک‌های جهان است و خوش‌شانس هستیم که او را داریم.

هافبک بلژیکی آبی‌پوشان لندنی همچنین در تمجید از هموطن خود که در منچسترسیتی علکرد درخشانی از خود به نمایش گذاشته، تأکید کرد: دی‌بروینه بهترین است. دو ماه پیش گفتم که کوین و محمد صلاح خیلی خوب هستند و در کنار گل‌زنی، تیم‌شان را به پیروزی سوق می‌دهند. دی‌بروینه مقابل تیم‌های بزرگ گل‌زنی می‌کند و همیشه در سطح خوبی است و تیم‌شان هم که صدرنشین لیگ برتر است. به نظرم در این فصل دی‌بروینه و صلاح فوق‌العاده بوده‌اند.

نیمار:

صلاح می‌تواند در جام‌جهانی تفاوت را رقم بزند

ستارهٔ تیم ملی برزیل به این باور است که مهاجم لیورپولی تیم ملی فوتبال مصر می‌تواند در جام‌جهانی ۲۰۱۸ بدرخشد.

نیمار در گفت‌وگو با شبکهٔ تلویزیونی «گلوبو» برزیل، دربارهٔ جام‌جهانی پیشرو که قرار است تابستان آینده به میزبانی روسیه برگزار شود، گفت: مدعیان سرشناس و همیشه‌گی در کورس برای قهرمانی در جام‌جهانی ۲۰۱۸ خواهند بود. به غیر از برزیل، تیم‌های آلمان، اسپانیا، فرانسه و آرژانتین در هر تورنمنتی که حضور داشته باشند، مدعی قهرمانی هستند.

او همچنان با اشاره به این‌که چه کسانی در جام بیست‌ویکم می‌توانند درخشان ظاهر شوند، اظهار داشت: به نظرم بلژیک تیم فوق‌العاده‌یی دارد و محمد صلاح از مصر هم بازیکن بزرگی است و می‌تواند در جام‌جهانی تفاوت را رقم بزند.

صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود
مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : جمشید یما
گزارشگران: ناجیه نوری، هارون مجیدی، ابوبکر صدیق و روح‌الله بهزاد
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۹۵۰۶۷۴۶۳

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 9 NO 2170 Saturday 24 December 2017

Mandegar DAILY

ترامپ:
احمقانه ۷ تریلیون دالر در خاورمیانه خرج کردیم

رییس جمهور آمریکا پس از شکست در مجمع عمومی سازمان ملل در توئیتی اعلام کرد پس از هزینه احمقانه ۷ تریلیون دالری در خاورمیانه زمان آن رسیده که بر سرمایه‌گذاری و اختصاص بودجه برای بازسازی آمریکا تمرکز شود.

به نوشته روزنامه اورشلیم پست، دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا در توئیتی نوشت: زمان آن رسیده که به جای هزینه‌های خارجی به سرمایه گذاری برای بازسازی آمریکا تمرکز کنیم.

وی در ادامه این توئیت افزود: «پس از آنکه به صورت احمقانه هفت تریلیون دالر در خاورمیانه خرج کرده‌ایم زمان آن رسیده که بازسازی کشورمان را آغاز کنیم.»

این توئیت یک روز پس از آن منتشر شد که ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل شکست خورد. مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب و در آن اقدام دولت ترامپ برای به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل را محکوم کرد.

ترامپ همچنین پیش از رای‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل تهدید کرده بود که آمریکا کمک‌های خارجی به دریافت کنندگان را که در مجمع عمومی سازمان ملل علیه این کشور رای دهند، قطع خواهد کرد.

وی روز چهارشنبه گفته بود: برخی کشورها صدها میلیون دالر و حتی میلیاردها دالر از ما کمک مالی می‌گیرند و آن وقت علیه ما رای می‌دهند. ما این رای‌گیری را با دقت ملاحظه می‌کنیم. اجازه دهید آنها علیه ما رای دهند. ما پول بیشتری در جیبمان باقی خواهد ماند. ما اهمیتی به این مساله نخواهیم داد.

هنوز مشخص نیست که آیا این توئیت به تهدید روز چهارشنبه اشاره دارد یا خیر چراکه کل متن این توئیت بر لزوم حمایت دو حزبی بر سرمایه گذاری در بخش تاسیسات زیربنایی تاکید دارد.

در مجموع ۱۲۸ کشور در نشست مجمع عمومی سازمان ملل که روز پنجشنبه برگزار شد با بی‌اعتنایی به تهدیدات ترامپ به نفع قطعنامه رای دادند در حالی که ۹ کشور علیه این قطعنامه رای منفی داده و ۳۵ کشور رای ممتنع دادند و ۲۱ کشور نیز در این نشست حضور پیدا نکردند.

از ۱۰ دریافت کننده کمک‌های امسال آمریکا تنها اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل رای مخالف داد. باقی دریافت کنندگان به استثناء کنیا علیه آمریکا رای دادند حتی افغانستان نیز که حدود ۴.۳ میلیارد دالر در سال ۲۰۱۷ میلادی از آمریکا کمک مالی دریافت کرده علیه این کشور رای داد.

از دیگر کشورهایی که علیه آمریکا رای دادند می‌توان به مصر و اردن اشاره کرد که به ترتیب ۱.۴ میلیارد دالر و ۱.۳ میلیارد دالر کمک مالی از آمریکا دریافت کردند. اگرچه این دو کشور عربی شرکای امنیتی نزدیک آمریکا هستند و به شدت به کمک‌های مالی واشنگتن تکیه دارند اما اگر با به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی مخالفت نمی‌کردند اوضاع سیاسی در داخل کشورهای خود را به خطر می‌انداختند.

معرفی پوتین به عنوان کاندیدای حزب «روسیه واحد» در سال ۲۰۱۸

نخست وزیر روسیه در نشست حزب «روسیه واحد» از کاندیداتوری ولادیمیر پوتین به عنوان منتخب این حزب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۸ میلادی خبر داد.

دیمیتری مدودف گفت: حزب روسیه واحد خوشحال است که ولادیمیر پوتین را به عنوان کاندیدای خود برای بالاترین مقام دولتی معرفی کند.

وی افزود: انتخابات ریاست جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۸ میلادی باید کاملا شفاف و مشروع باشد.

مدودف تاکید کرد: این موضوع برای سیستم سیاسی و توسعه متمدن کشورما مهم است و من مطمئن هستم که همه ساکنان دولت بزرگ روسیه این را می‌خواهند و ما باید این کار را انجام دهیم.

پیش از مدودف، پوتین در میان تشویق پیاپی شرکت کنندگان در کنگره حزب واحد روسیه به سخنرانی پرداخت.

رئیس جمهور روسیه گفت: ما باید پیشرفت مستمر روسیه را در دنیای آینده فراهم کنیم، ما باید به یک کشور واقعی از نظر آزادی اقتصادی تبدیل شویم.

وی گفت: نباید به مردم وعده‌های غیر قانونی همانند دهه ۹۰ میلادی داد، من تاکید می‌کنم فساد، بی قانونی و بی تفاوتی و دروغ نسبت به بازار کسب و کار،ثبات و توسعه کشور را تضعیف می‌کند.

پوتین با اشاره به تاریخ هزار ساله روسیه بر ادامه اصلاحات اقتصادی و کمک به رونق و پایداری اقتصاد این کشور تاکید کرد.

رئیس جمهور روسیه گفت: هیچ کس نمی‌تواند مردم کشور ما را در راه پیروزی متوقف کند، توسعه ما غیر قابل برگشت است و من در این راه مطمئن هستم زیرا میلیون‌ها نفر از شهروندان روسیه با ما هستند.

انتخابات ریاست جمهوری روسیه قرار است ۱۸ مارچ ۲۰۱۸ میلادی برگزار شود.

پوتین پیشتر اعلام کرده بود به عنوان نامزد مستقل در انتخابات شرکت می‌کند.

اهدای کتاب به معارف پریان

ماندگار: فرهنگستان پنجشیر، به سلسلهٔ همکاری با نهادهای آموزشی، پرورشی و فرهنگی ۶۹۱ جلد کتاب را به معارف ولسوالی پریان کمک کرد.

اعضای این نهاد پس از راه‌اندازی کارزار گردآوری کتاب، در یک روز پُر برف بر آن شدند تا کتاب‌های گردآوری را شده به باشنده‌گان محترم پریان برسانند. آنان به روز جمعه این شمار کتاب را به کتاب‌خانه‌های سه مکتب فعال در پریان، تسلیم کردند.

در دیداری که اعضای فرهنگستان پنجشیر با مسوولان اُمریت معارف و باشنده‌گان پریان داشتند، پیرامون نیاز کتاب‌خانه‌های بیشتر و پُربار شدن کتاب‌خانه‌های مکاتب این ولایت صحبت شد. باشنده‌گان ولسوالی پریان ضمن قدردانی از اعضای این نهاد، پیرامون افزایش نهادهای فرهنگی و ایجاد کتاب‌خانه‌ها در سراسر پنجشیر تأکید کردند.

گفتنی است که این شمار کتاب، به کتاب‌خانه‌های لیسه‌های کرپیتاب، انوری و یعقوبی اهدا گردید. فرهنگستان پنجشیر در نظر دارد تا با جمع‌آوری کتاب‌های بیشتر، به بخش‌های دیگر ولایت پنجشیر نیز کتاب برساند.

کاهش رقم مهاجران در سال ۲۰۱۷ در اروپا

براساس آمار آژانس هماهنگی حفاظت از مرزهای اتحادیه اروپا ، از ماه جنوری تا پایان ماه نوامبر سال ۲۰۱۷ میزان عبور غیرقانونی از مرزها در چهار مسیر مهم مهاجرت به اروپا، در مقایسه با سال قبل اش به حدود نصف کاهش یافته است.

به ویژه در مسیر مرکزی بحیره مدیترانه از لیبیا به ایتالیا، تعداد مهاجران تازه وارد بین ماه های جون و جولای از ۲۴ هزار و ۸۰۰ به ۱۰ هزار و ۱۶۰ نفر کاهش پیدا کرده است.

برخلاف در اسپانیا مهاجران بیشتری وارد شدند. بین ماه های جنوری تا نوامبر ۲۰۱۷، بر اساس گزارش «فرونتکس» ۲۱ هزار و ۱۰۰ مهاجرت غیرقانونی به اسپانیا ثبت گردیده است. این ۱۴۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۶ است. اکثر افرادی که از طریق این مسیر به اروپا سفر می کنند، از کشورهای الجزایر، مراکش و کشور های غرب افریقا می آیند.

در یونان از ماه جنوری تا نوامبر سال ۲۰۱۷ در مجموع ۳۷ هزار و ۹۰۰ مهاجر وارد شده اند. این حدود ۸۰ درصد کمتر از سال گذشته است. اکثر آن ها سوریایی، عراقی و یا هم افغان بوده اند. به گفته «فرونتکس»، شمار افرادی که از بالقان غربی عبور می کنند، نیز پائین است.

در اتحادیه اروپا بین ماه های جنوری و سپتمبر، در کل ۴۷۷ هزار و ۳۸۰ شهروند غیر اتحادیه اروپا برای اولین بار درخواست پناهندگی داده اند. این حدود ۵۰ درصد کمتر از سال قبل است. اکثر این متقاضیان پناهندگی از سوریه، افغانستان و نایجریا اند.

تعداد پناهجویان از ونزوئلا و ترکیه بین ماه های جولای تا سپتمبر ۲۰۱۷ افزایش یافته است.

در آلمان بین ماه های جنوری و نوامبر۲۰۱۷، ۱۸۴ هزار و ۷۹۶ پناهجو درخواست پناهندگی داده اند و اکثریت این درخواستی ها در ایالت نورد راین وستفالن این کشور بوده است. این پناهجویان عمدتا از سوریه، عراق و افغانستان آمده اند.

از ماه جنوری سال ۲۰۱۵ آلمان همچنین بر اساس توافقنامه اسکان مجدد اتحادیه اروپا ۳ هزار و ۷۹۷ پناهنده از سوریه را پذیرفته است. همچنین آلمان از ایتالیا و یونان، بر اساس این توافقنامه ۹ هزار و ۱۶۹ پناهجو را پذیرفته است.

بر اساس یک نظرسنجی «یورو پارامیتر» که روز سه شنبه منتشر شد، ۷۲ درصد از اروپایی ها خواستار یک سیاست مهاجرتی مشترک اند و ۱۹ درصد از پاسخ دهندگان با این کار مخالف هستند.